

# اولین سالگرد انقلاب گرامی باد

یکشنبه ۶ سه شنبه ۶ پنجشنبه منتشر میشود

سال اول دوره دوم  
ویژه سالگرد انقلاب

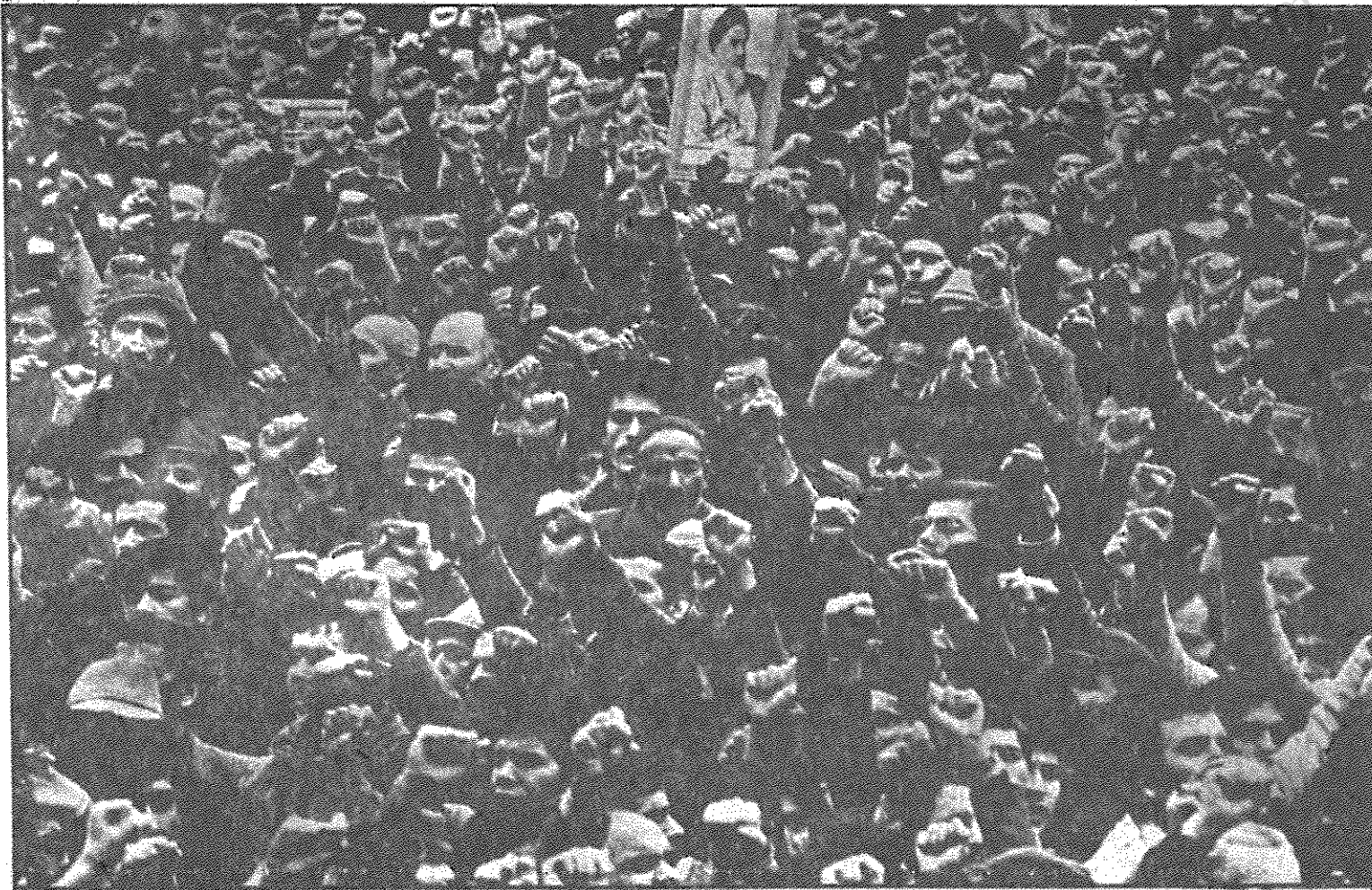
# رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

یکشنبه ۲۱ بهمن ماه ۵۸ شماره ۱۹ تک شماره ۱۰ ریال

## اعلامیه دولت علیه دوا بر قدرت

در صفحه ۵



- ### در این شماره
- ایران را به پایگاه مستحکم ضد دوا بر قدرت تبدیل کنیم
  - کارگران و دهقانان ستون فقرات انقلابند
  - پیروزی خط نه شرقی، نه غربی
  - کارنامه باندهای کیانوری: یکسال دیگر خیانت
  - انقلابیگری کاذب: جاده صاف کن فاشیسم و وابستگی
  - کارنامه چپ‌نماها در سالگرد انقلاب
  - درس‌هایی از ملیتها در سالی که گذشت
  - یکسال سرکوب ضدانقلاب و پاکسازی
  - انحصار طلبی فرهنگی سدی در راه شکوفایی فرهنگ و هنر مردمی

# پیروزی خط «نه شرقی، نه غربی»

که در پس یک ابر قدرت ابر قدرت دیگری در میهن ما خانه کند و این یک پیروزی عظیم بود . پس از پیروزی قیام ، مردم ما همچنان و بلکه بیشتر از همیشه ، بروی خط استقلال طلبانه پایداری کردند . آنها بخوبی میدانستند که حفظ دستاوردهای انقلاب و ادامه آن در

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی ، انقلابی بود ضد استبدادی و ضد امپریالیستی . این انقلاب که مشخص ترین آماج حمله خود را در بار پهلوی و نظام فرتوت و جبارانه شاهنشاهی قرار داده بود ، نمی توانست در عین حال انقلابی ضد امپریالیستی نباشد ، زیرا استبداد و نظام شاهنشاهی از دیرباز با نظام سلطه گر و استثمارگر امپریالیستی بویژه امپریالیسم آمریکا عجین شده و بشابه پایه و اساس این نظام امپریالیستی در درون کشور عمل میکرد .

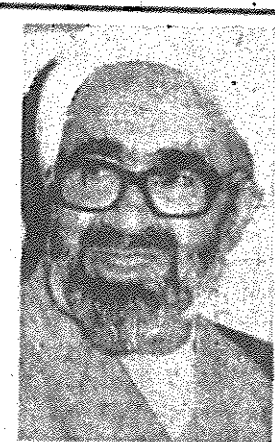
با پیروزی قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ ، امپریالیسم آمریکا بزرگترین ضربه را پس از شکست هندوچین متحمل گردید . لکن این پیروزی تنها شکست امپریالیسم آمریکا نبود . بر عکس ، همانطور که امام خمینی بارها خاطر نشان کرده اند ، مردم ایران با انقلاب خود ، با دستهای خالی و عزم راسخ و ایمان خلل ناپذیر توانستند ابر قدرتهای شرق و غرب را به زانو در آورند . این کلام پر اهمیت امام بیانگر خط اساسی و سمت گیری ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی است . یعنی خط «نه شرقی ، نه غربی» مبارز علیه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی است در حقیقت ، تجربه کم نظیر انقلاب ایران نشان میدهد که ضامن پیروزی در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا با فشاری و حفظ همین سمت گیری «نه شرقی ، نه غربی» است . و گر نه غول جهان خوار دیگر یعنی ابر قدرت شوروی در ماههای آخر انقلاب ، پس از سال مداحی رژیم پهلوی ، خود را آماده میساخت تا در لباس دوست و حامی خلق ایران به درون صفوف انقلاب نفوذ کند و از آن بشابه پلی بر آید رسیدن به امیال توسعه طلبانه و سلط جویانه خود سوء استفاده نماید . اما فریاد ملیونتها مردم سراسر کشور ، فریاد «نه شرقی ، نه غربی» ، جمهوری اسلامی و پایداری توده ها و رهبری بر این شعار ، راه ابر توطئه و نیرنگ ابر قدرت شوروی نیز بست و گوهر استقلال انقلاب ایران را از دستبرد اجانب و راهزنان جهان خوار ( آمریکا و شوروی ) محفوظ نگاه داشت . انقلاب ایران اجازه نداد

گروادامه و عمیق کردن پیکار علیه امپریالیسم است ، در گرو وفاداری به خط «نه شرقی ، نه غربی» امام خمینی است . مردم ما به نیروی لایزال خود آگاه شده بودند و میدانستند که با پیکار بستن این نیرو قادرند مستقل از دوا ابر قدرت مستقل از هر بیگانه سلطه بقیه در صفحه ۲

## آیت الله منتظری: ابر قدرتها شیر برقی هستند

از آنها نترسید ،

شما اگر متحد شوید همه چیز دارید



روز جمعه ۱۹ بهمن ، سمیناری از شخصیت های مذهبی و سیاسی کشورهای مختلف جهان ، که مهمان جشنهای پرشکوه هجرت و سالگرد انقلاب اسلامی هستند ، در قم در حضور حضرت آیت الله منتظری برگزار گردید . در این سمینار حضرت آیت الله منتظری

و دکتر بنی صدر رئیس جمهور کشورمان سخنرانی کردند . حضرت آیت الله منتظری پس از سخنان مشروحی درباره انقلاب اسلامی ایران و افشای تبلیغات سوء ابر قدرتها در خدشه دار کردن انقلاب ما ، خطاب به سران کشورهای عربی و اسلامی گفتند : «والله این ابر قدرتهای شرق و غرب مثل شیر برقی هستند ، بیخود از آنها میترسید شما اگر متحد شوید ، نفت دارید ، گاز دارید ، همه چیز دارید ، بیدار شوید ... در خاتمه آیت الله منتظری وحدت و پیروزی همه کشورهای اسلامی منطقه را آرزو کردند و گفتند ما می خواهیم که مسلمانان در سایر ممالک آنها گرفتار باشند ما خودمان را در میدان جهاد میدانیم ، وظیفه خود میدانیم که حمایت از تمام مسلمین گرفتار و مستضعفین دنیا بکنیم . بقیه در صفحه ۴

# با اتحاد بزرگ ملی به پیشواز سالگرد انقلاب میرویم

پایه حزب رنجبران ایران  
بنامیت سالروز  
پیروزی قیام بهمن ماه ۵۷

هموطنان عزیز ، خلق قهرمان ایران به پیشواز یکمین سالروز پیروزی قیام تاریخی بهمن ماه ۱۳۵۷ میروند . در بهمن ماه ۱۳۵۷ ، مردم قهرمان و توده های دلیر خلق ستم دیده و زحمتکش سرزمین ما ، بدنیاال ما ههسا جانفشانی و فداکاری و با ایثار ده ها هزار شهید ، با اتکاء به نیروی لایزال خود و تحت رهبری داهیان امام خمینی ، سرانجام موفق گردیدند که خجور و ستم شاهنشاهی را فرو گوبند و بساط سلطه سیاسی امپریالیسم جهان خوار آمریکا را در هضم ریزند . این یک پیروزی تاریخی بزرگی بوده تنها برای خلق ایران بلکه برای کلیه خلقهای محروم و مبارز جهان سوم که علیه سلطه امپریالیسم و بویژه دوا ابر قدرت و عمالشان قهرمانان مبارزه میکنند . در مدت یک سالی که از انقلاب گذشت ، خلق ما موفقیت ها و پیروزی های متعددی در زمینه های مختلف ، از مبارزه با ابر قدرتها و ضد انقلاب داخلی گرفته تا بازسازی مملکت ، بدست آورد . مردم ما در این مدت موفق گردیدند نظام جمهوری اسلامی را در یک بقیه در صفحه ۲

# در سبائی از مسئله ملیتها در سالی که گذشت

از مناطق ملیت نشینی کشور ما ، در سال گذشته ۴ منطقه حادثه ساز بوده است : کردستان ، خوزستان ، ترکمن صحرا و واحد بلوچستان . تبلور حاد اخلاص دوا ابر قدرت چپ روی و چپ نما کسبی و سیاستهای نادرست دولت مرکزی و چپ روی و ارزیابی نادرست اکثریت نیروهای سیاسی موجود در کردستان از ماهیت دولت مرکزی بود . مجموعه تضادهای موجود در کردستان تلحماری بارت مانده از دوران گذشته بویژه دوران سلطنت ننگین محمدرضا پهلوی بود : تضاد خلق کرد با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته تضاد با بقایای فئودالیسم در منطقه و خواست دهقانان ( که اکثریت عظیم خلق کرد را تشکیل میدهند ) برای حل مسئله ارضی بسود خود ، تضاد در زمینه کسب حق خود مختاری و رفع ستم ملی و بالاخره عقب ماندگی ، شدید اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کردستان . از میان این مجموعه تضادها ، تضاد خلق کرد ، همچون سایر خلقهای ایران ، تضاد با امپریالیسم ( بویژه دوا ابر قدرت ) بوده است لیکن شرایطی پیش آمده که تضادهای غیر عمده بشکل حادی ، تا حد جنگ مسلحانه بروی صحنه افکندند . در دوره اول ( از سه دوره تا قبل از جنگ ) اوایل بقیه در صفحه ۴

بنا سبانه دیری نپاشید ، آنچه باعث لاینحل ماندن مساله ایندوره ، که تا اواخر مرداد ماه ادامه پیدا میکند گردید ، مجموعه ای از اخلاص دوا ابر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آنها ، سیاستهای نادرست دولت مرکزی و چپ روی و ارزیابی نادرست اکثریت نیروهای سیاسی موجود در کردستان از ماهیت دولت مرکزی بود . مجموعه تضادهای موجود در کردستان تلحماری بارت مانده از دوران گذشته بویژه دوران سلطنت ننگین محمدرضا پهلوی بود : تضاد خلق کرد با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته تضاد با بقایای فئودالیسم در منطقه و خواست دهقانان ( که اکثریت عظیم خلق کرد را تشکیل میدهند ) برای حل مسئله ارضی بسود خود ، تضاد در زمینه کسب حق خود مختاری و رفع ستم ملی و بالاخره عقب ماندگی ، شدید اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کردستان . از میان این مجموعه تضادها ، تضاد خلق کرد ، همچون سایر خلقهای ایران ، تضاد با امپریالیسم ( بویژه دوا ابر قدرت ) بوده است لیکن شرایطی پیش آمده که تضادهای غیر عمده بشکل حادی ، تا حد جنگ مسلحانه بروی صحنه افکندند . در دوره اول ( از سه دوره تا قبل از جنگ ) اوایل بقیه در صفحه ۴



# خانها عمر شیرین ما را به منجلاب کشاندند

شیراز - فارس ۱۶ / ۱۱ / ۵۸

سر دبیر محترم نشریه رنجبر دوست عزیز، در شماره‌های گذشته رنجبر گزارشات و مقاله‌هایی مبنی بر نامه‌های طبقه مستضعف روستا نشینان استان فارس آورده بودید که واقعا "چقدر گویا و مقرون به حقیقت میباشد این مقاله‌ها چنان موثر بود که گوئی از درد دل همه روستا نشینان بویژه روستاهائی که تا کنون توسط خانها و فئودالها استثمار گردیده و همه هستی ما را این موزیان پلید بیاد غارت داده و غیر شیرین ما را بعاوینی در منجلاب خدما می و برز بگری به بطالت کشانده اند. منکه این نامه را مینویسم از درد دل یک روستا در نزدیکی کازرون با شما صحبت میکنم، از شما تقاضا دارم چون شخص مورد نظر بسیار متنفذ است امکان تعقیب و کشتن من را دارد از معرفی من امتناء نمائید و با توجه به دلیل فوق عذر مرا بپذیرید.

امضاء محفوظ

## ● با اتحاد بزرگ

رفرا ندوم با شکوه مسجل سازند، قانون اساسی جمهوری اسلامی را از طریق نمایندگان منتخب خود در مجلس خبرگان تدوین و تصویب نمایند و سراسر انجام نخستین رئیس جمهور خود را با آرای عمومی و در وحدت و شورش مبارزاتی کم نظیری انتخاب کنند، و به سوی انتخاب نمایندگان منتخب خود برای مجلس شورای ملی گام بردارند. در یک سال اخیر پرولتاریای قهرمان ایران که دارای سنن درخشان مبارزه ضد امپریالیستی و انقلابی است و در برپا داشتن رژیم جا برانه سلطنتی نقشی اساسی ایفا نموده است، موفق گردید با تشکیل حزب پیشقراول خود یعنی حزب رنجبران ایران پیروزی تاریخی مهمی نصیب خلقهای مبارز ایران و پرولتاریای جهانی بنماید. همه این دستاوردها که در میان جو پرتلاطمی از مخاصمات و ناملیمات درونی و بیرونی و

## ● پیروزی خط

جوئی، انقلاب خود را به پیش برند. لکن در میان نیروهای سیاسی حاکم و بویژه در درون دولت موقت، همگان به این نیروی لایزال توده‌ها و به خط انقلابی امام که بیان خواست عمیق توده‌ها است، آنطور که باید و شاید معتقد نبودند. این عدم اعتقاد کافی منشاء بروز یک سلسله تمل در مبارزه ضد امپریالیستی و مدارا جوئی و حتی گاه تسلیم طلبی در برابر این یا آن ابر قدرت گردید. در نخستین ماههای پس از پیروزی

و تبلیغ زهر انقیاد طلبی نسبت به ابر قدرت شوروی دامن زدند. این مزدوران و متحدین و ایادی شان در رسانه‌ها بطرز وقیحانه‌ای به بلندگوی کرملین در ایران تبدیل شده و کوشیدند مشی اتکاء به خود را در مبارزه علیه امپریالیسم درهم شکسته و اتکاء به شوروی را در مبارزه با آمریکا جانشین آن نمایند. هم سوشدن مدارا جوئی و پندار بافی نسبت به ابر قدرت شوروی با انقلاب بگری گاذب در برخورد به امپریالیسم آمریکا تضاد فی نبود، بلکه از سر چشمه واحدی آب میخورد که آن ناتوانی در مبارزه ضد امپریالیستی است.

به این حد به مقابله با آمریکا بلند نمی‌شد. بدین ترتیب سیاست این مخالفین در حقیقت به مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا هم ضربه میزد. آنها با یک انگیزه انقلابی در عمل مورد بهره برداری موزرانه عمال سوسیال امپریالیسم (دارودسته کیانوری و رهبری غاصب چریکها) که خواهان جلوگیری از محکوم شدن تجاوز شوروی به افغانستان بودند قرار گرفتند. در نتیجه، مردم ما به رای العین مشاهده کردند که سیاست انقلاب بگری کاذب و "نه غربی، نه غربی" نمی - میتواند آنها را از بندهای پیچیده وابستگی به امپریالیسم آمریکا که سراسر



درک این حقیقت در آغاز برای توده‌های وسیع مشکل بود، زیرا انقلابی نمائی کاذب دقیقا به کمک الفاظ "چپ" و "ماورای" "چپ" به فریب توده‌ها پرداخته و از در مبارزه با "لیبرالیسم سازشکار" وارد میدان میشود. لکن تجاربی چند بویژه در زمینه سیاست خارجی پرده از روی ماهیت کاذبانه انقلابی این گرایش انحرافی صوف خلق برگرفت. بارزترین نمونه این تجارب، موضوع اخیر شرکت ایران در کنفرانس اسلامی

انقلاب، ما شاهد این بودیم که در برابر خواستهای آتشین توده‌ها منظور قطع بندهای وابستگی به غرب و بخصوص به آمریکا، برخی جناحهای حاکم، سیاست محافظه کاری، بی عملی و در جازدن را پیشه کرده بودند. بعنوان مثال، کار لغو قراردادهای اسارت بار و ملی کردن بانکها و صنایع وابسته که از جمله خواستهای فوری و اولیه ضد امپریالیستی مردم بود، به درازا کشیده میشد و هیچ گونه برنامه‌ای برای قطع بندهای وابستگی اقتصادی

تاریخ بود جامعه را در برگرفته خلاص سازد و نه میتواند آنها را در برابر خطر نفوذ و رخنه ابر قدرت دیگر مصون نگاه دارد. بعبارت دیگر، چنین سیاست انحرافی هرگز نمیتواند جنبش عظیم اتکاء به خود ملت ایران را در مقابله با هرگونه تجاوز خارجی هدایت کرده و به پیروزی رساند. چنین سیاستی با وجود اینکه در ظاهر ۱۸۰ درجه در مقابل مشی محافظه کارانه (مشی باصلاح "گام بگام" ولی در واقع "درجا، درجا") قرار دارد، در حقیقت ماهیتا با آن

اشغال کرد و تهدید نظامی عظیمی را متوجه مرزهای میهن ما نمود. اکنون دیگر مردم ما به روشنی میدیدند که مرزهای ما تنها توسط نیروهای نظامی آمریکا مستقر در آبهای جنوب، بلکه همچنین توسط نیروهای متهاجم ابر قدرت روس نیز مستقیما تهدید میشود. آنان به شدت احساس کردند که همبستگی ضد امپریالیستی ملت ایران با ملل و خلقهای محروم و مستعبدیده مسلمان تنها به خلق های فلسطین و قیلبین نمی‌تواند محدود گردد بلکه خلق افغانستان راهم باید بیش از همه شامل گردد.

این تجارب، مردم ما را به حقایق خط "نه شرقی، نه غربی" انقلاب اسلامی و امام خمینی باز هم بیشتر معتقد نمود. نیروهای آگاه و پیشرو استقلال طلب جامعه که در تعمیق آگاهی مردم نقش بسزائی داشته و علیرغم آرزای و سرکوب فکری هواداران مبارزه فقط علیه آمریکا، در کار خود پیگیری به خرج داده بودند، قاطعانه تراز همیشه بر خط مبارزه علیه هر دو ابر قدرت پافشاری کردند و نشان دادند که در جهانی که دستخوش تبانی و رقابت دیوانه وار دو قطب اصلی ضد انقلاب یعنی ابر قدرت روس و ابر قدرت آمریکا است، مدارا جوئی، پندار بافی و تسلیم طلبی نسبت به این یا آن سلطه گر جهان خوار، و بندبازی های سیاسی که به سود یکی از آن دو تمام میشود، فاجعه آور است. مردم ما مدارا جوئی نسبت به غرب را دیدند و تجربه کردند و بدور انداختند و با مدارا جوئی نسبت به شرق نیز چنین کردند.

از درون این کارزار چند ماهه، بار دیگر خط نه شرقی و نه غربی امام پیروز بیرون آمد. اینک زمان جمع بندی فرارسیده بود. مردم ما این جمع بندی را با انتخاب رئیس جمهور خود انجام دادند. یعنی کسی که پس از امام برجسته ترین چهره استقلال طلب میهن ما است.

ابوالحسن بنی صدر در نخستین کنفرانس مطبوعاتی خود پس از انتخاب به ریاست جمهوری چنین اعلام کرد: "بعضی میگویند که روسیه خطر اصلی است بنابراین باید به آمریکا تکیه داد. بعضی بر عکس میگویند که نه خیر آمریکا خطر اصلی است و باید به روسیه تکیه داد. من عقیده‌ام اینست که هر دو خطر اصلی هستند و چون هر دو خطر اصلی هستند ما باید به خودمان تکیه کنیم."

از این مرور سریع بر مبارزه میان دو مشی در جنبش ضد امپریالیستی میهن

و نا ملايمات دروني و بيروني و عليه غم تولد هاي رنگارنگ و وقفه ناپذيراين ايرقدرتها و عمالشان صورت گرفتند، پيروزي هاي پيايي تاريخي خلق ايران بشمار ميروند.

امروز براهي چسب پوشيده نيست كه مهمترين مساله هاي كه در برابر ملت و كشور قرار دارد، مساله حفظ استقلال در برابر تهديدات و تجاوزات دو ابرقدرت است. ميهن ما در حال حاضر از سوئي با تهديد محاصره اقتصادي و خطر تجاوز امپرياليسم آمريكا در جنوب روبرو است و از سوي ديگر با خطر تجاوز نظامي سوسيال امپرياليسم شوروي در شرق، خطري كه پس از اشغال افغانستان توسط ارتش اين كشور و تمرکز قواي نظامي در مرزهاي ماسلموس تر گرديده است. اين ابرقدرت نوحاشه كه سوداي اشغال ايران و باروي كار آوردن رژيمي دست نشانده بخود و رسيدن به آبهاي گرم جنوب را در سردا رد، استقلال و تماميت ارضي كشور ما را شديدا دچار مخاطره ساخته است. براي مقابله با اين خطر عظيم، خلق ما با ايدياگرايشات انحرافي و ناسالمي كه ابرقدرت ها ميكوشند در مقاومت تقويت كنند، يعني مدارا جوئي و تسليم پذيري مبارزه كنند و خود را در زمينه هاي مختلف آماده و قوي سازد. با اينكه در آخريين تحليل، تجاوز گران امپرياليسم غول پاگلي و شيربرفي هستند، اما در مقلع مشخص كنوني با ايد خطر آنها را به معني واقعي جدي بگيريم.

۱۰) با ايد وحدت و همبستگي ملي را تقويت نمود و توطئه هاي تفرقه افكنانه و گرايشات ناسالم انحصار طلبانه و تدرت طلبانه را كه به امرا متحد بزرگ، ملي لاله ميزنند، اسرد نمود، با ايد اتحاد بزرگ، ملي را كه در جريان انقلاب پيروز مند اسلامي تحت رهبري امام خميني موجود آمده بود، از نو با زسازي كرد، تنها خلق يكپارچه و متحد است كه تا در است در برابر هر كوي تها و زو تولى نكند نكند

ممكن را به سود توده ها و زحمتكشان تضمين نمود تا اينكه توده ها از دل و جان به دفاع از جمهوري اسلامي علاقمند شوند و تا پاي جان از آن دفاع كنند.

۴) با ايد مجدان و فداكارانه و با عمل و در ايت و نقشه و برنا مه ريزي به سرعت مملكت را با زسازي كرد، و يراني هاي حاصل از نيم قرن سلطه پهلوي و امپرياليسم را ترميم نمود، مصائب ناشي از وابستگي همه جانبه به امپرياليسم را نابود كرد، وابستگي را ريشه كن نمود و خود كفايي اقتصادي را بويژه در زمينه هاي كشاورزي و صنايع سبك و ما يحتياج عمومي مردم در اسرع وقت تضمين نمود. با ايدنه تنها از پائين رفتن سطح زندگي مردم جلوگيري نمود، بلكه با تمام قدرت كوشيد تا در ريجاي زندگي مردم بويژه رنجبران و زحمتكشان روبه بهبود رود.

۵) با ايد در زمينه سياست خارجي، در عين طرد مدارا جوئي، انزوا طلبي را نيز كه با عت انفراد و شكست ما در محافل بين المللي و از دست دادن يكي از زمينه هاي مهم مبارزه ضد امپرياليسم ميشود، طرد نمود. با ايد در درجه اول با خلق ها و كشورهاي جهان سوم كه متحدين اصلي و طولاني كشور ما هستند عليه تجاوزات و تهديدات، سلبه جوئي و سياست طلبانه و ابر قدرت جها نخوا را آمريكا و شوروي متحد شد. با ايد همچنين با كشورهاي جهان دوم (اروپا و ژاپن) كه حاضرند با جهان سوم همكاري كنند و به استقلال كشور ما احترام ميگذارند همكاري نمود.

۶) با ايد براي تحقق اين برنامها و انجام اين وظيفات مقدس و حياتي رهبري قاطعانه امام خميني را يعني خط استقلال طلبانه "نه شرقی، نه غربی" او را در زمينه سياست خارجي و ترجم مقدس خدمت به مستضعفين را كه ما مبرافراشته است، صميمانه پذيرفت و در عين حال از رئيس جمهور سابقه در صفحه ۵

براي قطع وابستگي اقتصادي به غرب ارائه نميگردد. حتي در برابر احكام دادگاههاي انقلابي در مورد قزه نوكران استبداد و امپرياليسم آمريكا مخالفت و نارضائتي از جانب برخي شخصيت ها و محافل حاكم ابراز ميگردد.

از طرف ديگر، كار تصفيه ادارات از عناصر و عمال بوروكراسي فاسد دولتي وابسته به رژيم گذشته و به امپرياليسم عملا "ناديده گرفته ميشد. مردم ما كه پس از سرنگوني پاينگاه سياسي سلطه امپرياليسم آمريكا، يعني رژيم شاه، خواهان نابودي ريشه هاي اين نفوذ در اقتصاد و ديگر شئون مملكتي بودند هر روز بر نارضائتي شان افزوده ميگشت و رشد اين نارضائتي ها سرانجام علت اعلي سقوط دولت موقت مهندس بازرگان گرديد.

سقوط دولت موقت همراه بود با اوج گيري و انفجار يك موج بزرگ ضد امپرياليسم عليه آمريكا كه سفر شاه به آمريكا حرقه آن گرديد و اشغال جاسوخانه آمريكا در تهران حركت اوليه آن بود.

مردم ما كه خواهان مبارزه ضد امپرياليسم بودند، با دل و جان خود را به ميان موج مبارزه ضد امپرياليسم انداختند و مبارزه ضد امپرياليسم را به مساله اصلي مبارزاتي جامعه ما تبديل شد. لکن اين مبارزه داراي دو گمبود اساسي بود.

اولا فقدان ديد روشن همه جانبه در مبارزه براي قطع وابستگي به آمريكا و خلاصه كردن اين مقوله در قطع رابطه با اين كشور و در غلتيدن به عام گوني و انقلابي نايي.

ثانيا. كم كردن سمت درست "نه شرقی، نه غربی" در مبارزه ضد امپرياليسم و خلاصه كردن امپرياليسم جهاني به امپرياليسم آمريكا.

در اين دوره، برخي از عناصر و گروهها كه اقليتي را در جامعه تشكيل ميدهند، چنين تصور باطلی را رواج دادند كه موفقيت مبارزه عليه امپرياليسم آمريكا در گرو سكوت در برابر سوسيال امپرياليسم شوروي است.

برخي ديگر كه در برابر ابر قدرت شوروي متزلزل بوده و با اصولا ماهيت امپرياليسم آنرا باور ندارند، به اين تصور باطل محكم چسبيدند و در اين ميان، عمال سوسيال امپرياليسم يعني دارو دسته مزدور كيانوري با تمام قوا به كارزار مسموم خود در جهت ردودن خط "نه شرقی، نه غربی" انقلاب اسلامي

اخير شركت ايران در كنفرانس اسلامي بود كه مورد مخالفت پاره اي از نيروها قرار گرفت. اين نيروها با چسب آمريكائي زدن به كنفرانس اسلامي "كنفرانسي كه سال گذشته رژيم سادات را بمناسبت امضای قرار داد كمپ ديويده از جمع خود اخراج کرده بود"، ميخواستند مانع اين شوند كه

سمايندگان جمهوري اسلامي در آن شركت كند. اين نيروها از موضع مخالفت با توطئه هاي امپرياليسم آمريكا، عملا سياست رادريستي گرفتند كه در صورت موفقيت هم بسود آمريكا و هم روسيه بود چه تجربه نشان داد كه در صورت عدم شركت ايران، اين كنفرانس هرگز تا

قرار دارد، در حقيقت ماهيتا با آن تفاوتی نميگردد. اگر آن يكي تا مدت ها گامهاي مارا در بندهاي محكم وابستگي به ابر قدرت غرب نگاه ميداشت، اين يكي مارا با يك جهش به ظاهر انقلابي به دامان ابر قدرت شرق مي انداخت. اصرار غير منطقي نمايندگان مشي اخير در سكوت كردن در برابر جنايات

اين قدرت شوروي (به بهانه تمرکز مبارزه عليه آمريكا) رماني براي مردم ما غير قابل قبول گرديد كه امپرياليسم روسيه در پناه همين موج ضد امريكائي، خاک كشور همسايه ما افغانستان را توسط مزاران تانك و دهها هزار نفر از نيروهاي مسلح خود به يك ضربت

دومشي در جنبش ضد امپرياليسم ميهن ما چه ميتوان نتيجه گرفت؟ اول اينكه، مردم ما واقعا "و بطرز عميق و استواري هوادار خط استقلال طلبانه" "نه شرقی، نه غربی" اسام هستند و به اين آسانيها نميتوان آنها را از اين خط منحرف كرد. دوم اينكه، اين خطر در مجموع و

تا آنجا كه به شعار عام سياسي مربوط ميشود پيروز شده و قاطعانه نيز پيروز شده است و هواداران انقلاب ملي و بويژه مزدوران سوسيال امپرياليسم شكست سختي از اين بابت متحمل شده اند. سوم اينكه، موفقيت كامل اين خط بقيه در صفحه ۷





# کارگران و دهقانان ستون فقرات انقلابند

یکسال از روزی میگذرد که طوما رننگین رژیم منحوس شاهنشاهی بدست مردم، بخصوص زحمتکشان میهن، ماه دهم پیچیده و به گورستان تاریخ سپرده شد. انقلاب ضرباتی جدی بر پیکر سرمایه داران وابسته بسط امپریالیسم و عمال ریز و درشت آن وارد آورد. بخش مهمی از سرمایه داران طاغوتی و کارگزاران آنها، با بوسیله دادگاههای انقلاب تسلیم جوخه های اعدام شدند و یا فرار را به قرار ترجیح دادند و آنچه باقی ماند خیل عظیم زحمتکشانی بود که بر اثر کسختن شیرازه رژیم گذشته و در اثر تعطیل و ورشکستگی کارخانجات و صنایع وابسته، بیکار و اخراج شدند.

- توزیع
- تامین شرایط ایمنی کار
- بیمه درمانی
- حق تعطیل دوروز در هفته و چهل ساعت کار
- حق مسکن، خواربار، یابو ذهاب
- برای کلیه حقوق زنان کارگرها مردان کارگر
- پرداخت سود ویژه
- لغو قوانین ضد کارگری و تدوین کار جدید با شرکت نمایندگان کارگران
- لغو قراردادهای استعماری با کشورهای امپریالیستی

## دهقانان بیاخته اند

با سقوط رژیم منحوس شاهنشاهی و درهم شکسته شدن قدرت آن، روستایان ستمدیده و خانه خراب که سالیان دراز اجحاف و ستم زاندارم، ارباب، واسطه و... کمرشان را خم کرده بود، از جای برخاسته و بر علیه مظالم موجود مبارزه را آغاز کردند.

خلال وجود بقایای فئودالیسم در روستاهای ایران که زمینها مادی مبارزه دهقانان را بر علیه اربابان فراهم مینمود، با گردنکشی فئودالها و تجاوزات آنها به جان و مال دهقانان، ابعا دوسیع و جدی تری یافت. پس از انقلاب در بسیاری از مناطق روستائی منجمله: گرگان، وگنبد و سایر مناطق مازنداران، کردستان، سیستان و بلوچستان، فارس، خراسان، آذربایجان، همدان، کرمان و گیلان و... موج ها ئی از جنبش های دهقانی برخاست و طی آن روستایان با مبارزه و تقسیم زمین های فئودالهای ستمگر، مابیس خود، آغازه کشت و کار نمودند. در بسیاری از نقاط ایران مانند فارس، آذربایجان، سیستان و بلوچستان، و کردستان

متعددی است که بدون ارتباط دقیق مابین آنان پیش برد امر خودکفائی، امکان ناپذیر میگردد: دهقانان مابه زمین، آب، وام، بذل، ماشین آلات کشت و ریزی، راههای روستائی، حمایت های لازم در مقابل آفات و بلائی که محصولات آنها را تهدید میکند، کمکهای فنی و تخصصی، تضمین قیمت محصولات خود و بازاریابی و امکانات برای رسانیدن تولیدات به بازار فروش و... نیاز دارند.

## کارگران و دهقانان رسالت ادامه انقلاب را به دوش دارند

کارن ماه یکسال مبارزات کارگران پس از انقلاب پیش رویمان قرار دارد. این کارنامه در خطوط اساسی خود مبارزه برای تامین رفاه زندگی زحمتکشان و در جهت استقلال ایران است. کارگران کارخانجات



نوده های عظیم کارگران نهاد و این حرکت در راه کسب استقلال سیاسی و اقتصادی نیز بدون توجه اساسی به رفاه زحمتکشان و تامین زندگی آنان میسر نیست.

کارن ماه یکسال بعد از انقلاب در خطوط دیگر خویش نسبت به تامین کار، بیمه بیکاری، درمانی و دیگر حقوق منقعی، سیاسی کارگران از طرف دولت درخشان نیست. گراسی و تورم، احتکـار و

سودجویی و ستم سرمایه داران طاغوتی بر شاه زحمتکشان سنگینی میکند. زحمتکشان در جریان انقلاب و پس از آن نشان دادند که نیروی تعیین کننده و وزنه سنگین مبارزه بر علیه امپریالیسم، بویژه دوا بر قدرت امپریالیستی روسیه و آمریکا و عمال آنان هستند.

رسالت ادامه انقلاب بر دوش کارگران و دهقانان میهن ما قرار دارد و مبارزه معیشتی باید همراه با مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه بخاطر بهبود شرایط زندگی زحمتکشان همراه با مبارزه علیه توطئه های دوا بر قدرت آمریکا و روسیه و عمال و نوکران بومی آنها به پیش برده شود. تامین رفاه زحمتکشان در گرو حفظ و تحکیم استقلال کشور قرار دارد و همین طور هم بهبود زندگی زحمتکشان به تامین استقلال میهن در برابر دسائیس ابرقدرت ها خدمت خواهد کرد. امر مبارزه ضد امپریالیستی و کوشش برای تامین استقلال کشور و حفظ و تحکیم آن را همراه با مبارزه بخاطر بهبود شرایط زندگی زحمتکشان به پیش ببریم. ایران مستقل، باید زندگی زحمتکشانی را که پاسدار استقلال آن هستند، تامین نماید.

کارگران نگریدند و بجز در مواردی استثنائی اغلب شوراها در این دوران با مشکلات مهمی مواجه شدند. در این بین؛ سندیکا های زرد نیز از آنجا که بعلمت ما هیت ضد کارگری خویش در دوران طاغوت تا ثیرنا مطلوبی بر روی کارگران نهاده بودند، از بین رفته و جای خود را به سندیکا های واقعی و منتخب کارگران دادند. منتها سندیکا های جدید هدف های صرفا اقتصادی را دنبال نموده بلکه ضمن آن در خدمت مبارزه عمومی و ضد امپریالیستی خلق قرار داشتند.

کارگران در این مرحله در یافتن سندیکا های کارگری و اصیل، تشکلی صنفی، اقتصادی و سیاسی است که میتواند در حین بالا بردن تولید و خدمت به خود کفائی جامعه از نظر محصولات خارجی، در راه بدست آوردن منافع صنفی و سیاسی عمومی کارگران نیز بکوشد.

### خواستهای کارگران

عمده ترین خواستهای کارگران در مبارزات یکساله اخیر شامل خواستهای صنفی - اقتصادی و در جهت بهبود شرایط سخت زندگی آنها بوده است و به موازات آن خواستهای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی در متن مبارزه ضد امپریالیستی موجود مطرح شده است. کارگران خواستار ملی کردن صنایع وابسته، قطع نفود امپریالیستها از منابع کشور و تصفیه و پاکسازی کارخانه ها و واحدهای تولیدی از عناصر سرسپرده رژیم سابق و نوکران امپریالیسم بوده اند. مهمترین خواستهای کارگران در این مدت را میتوان به شرح زیر خلاصه کرد:

- حق کار
- بیمه بیکاری
- مبارزه برای ازدیاد مستمر
- حق تشکیل شورا یا سندیکا
- حق اعتصاب
- پاک سازی محیط کار از عناصر طاغوتی و خلالگر
- آزادی عقیده و بیان
- شرکت در تصمیم گیری های مربوط به سرمایه ریزی، تولید و

مانند فارس، آذربایجان، سیستان و بلوچستان، و کردستان خان ها با تشکیل دستجات مسلح، به باج گیری از دهقانان فقیر و راهزنی بر سرگردنه راهها، پرداختند. این خانها کار را بجای کشتا نند که از وستا ثیان درخواست بهره مالکانسه در صورت امتناع و یا فقر و نداری آنان، چادرها و دامهایشان را با تشکیده و زن و بچه هایشان را مورد تجاوز و آزاد قرار میدادند.

جنش کشت و کار که همزمان با سرنگونی رژیم گذشته و بعد از آن عمدتاً با فرمان امام مبنی بر کشت در روستاها، آغاز شد، رفته رفته به بعد گسترده تری یافت. وستا ثیان بسیاری از روستاها نه تنها زمین های هرساله را بزرگ کشت بردند، بلکه با اشتیاق فراوان زمین های سنگلاخ را نیز شخم زدند و بر سطح زمین های زیر کشت افزودند.

اکنون پس از برداشته شدن برخی از سد های که در گذشته مانع کشت و کار دهقانان میشده است، اخبار و مطالب فراوان از رشد محصولات کشاورزی در گوشه و کنار ایران نویسد میدهد. در چند استان آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی، خراسان، کرمانشاه و ... تولید گندم به میزان بی سابقه ای رسیده و میزان خرید محصولات کشاورزی نیز از طرف دولت، بالا رفته است.

### کوتاه کردن دست فئودالها و پرهیز از سیاستهای نادرست

اهمیت کسب خود کفائی در زمینه محصولات کشاورزی برای همگی ما روشن است. میدانیم چنانچه نتوانیم استقلال خویش را در زمینه اقتصادی بدست آوریم، خطرات بی شماری در انتظار ما است. با سازی روستاها و راه اندازی جرخهای کشت و کار خود سازمانند عوامل

متاسفانه دوسیاست غلط در زمینه برخورد به مسائل کشاورزی و حل معضلات آن در طول یکسال گذشته، وجود داشته است. سیاست اول، سیاست مقاومت در مقابل خواستهای دهقانان برای از بین بردن بقایای فئودالیسم و مصادره و تقسیم زمین های فئودالها و مالکان بزرگ ارضی و نفی مبارزات عادلانه آنها بوده است.

سیاست نادرست دیگری هم از جانب نمایان و برخی از مقامات مسئول دولتی، اعمال میشد که بر اساس آن هر کس که تکه زمینی در اختیار داشته باشد، فئودال محسوب شده و چماق "مبارزه" با فئودالیسم بر فرق او فرود می آمد و بدین وسیله سرمایه داری متوسط روستائی مورد حمله قرار میگرفت.

سیاست درست، حرکت از خواست توده های دهقانان و از بین بردن بقایای منحوس ارباب و رعیتی و حل مسئله ارضی به نفع دهقانان بی زمین و کم زمین و کمک های لازم به آنان برای رشد تولید کشاورزی است. در عین حال باید تا تشویق سرمایه های ملی نسبت به سرمایه گذاری آنان در بخشهای روستائی، به امر بالا بردن سطح اشتغال و گام نهادن به مراحل خود کفائی کمک نمود.

### دو عامل ناسالم، مانع گسترش عدالت اجتماعی رنجبران

در سالی که گذشت، امکان گسترش عدالت اجتماعی برای رنجبران کشور ما پس از سالها، به حرکت انقلاب ضد امپریالیستی فراهم آمد. ولی این امکان از طرف دو جریان ناسالم سر برد تهدید قرار گرفته و زلتمات حدی بر آن وارد آمد.



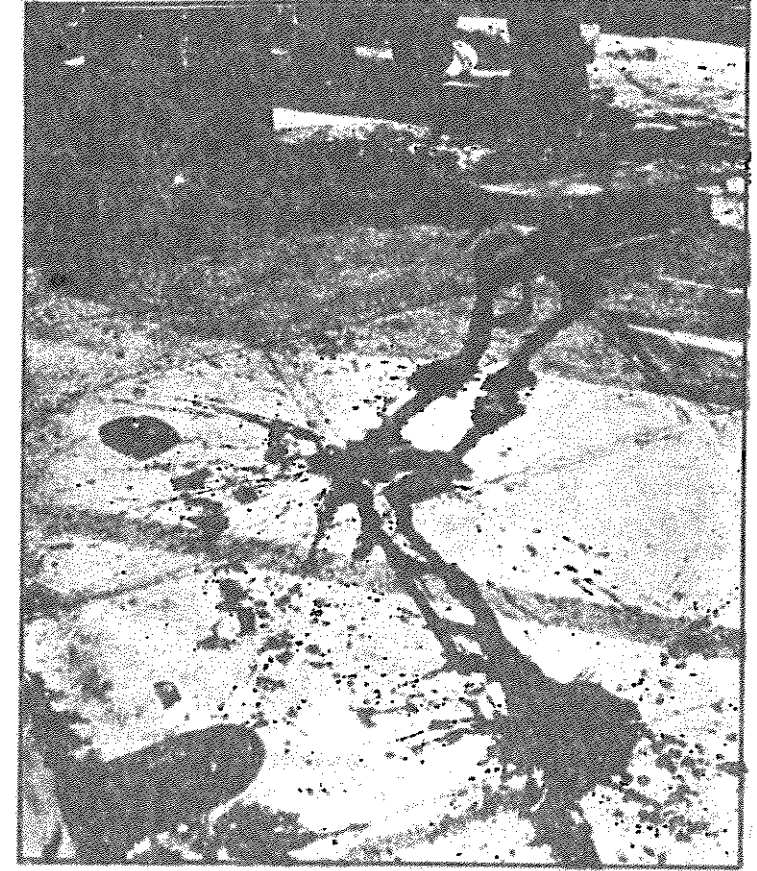
آنرا دامن زده و موجبات درگیری کارگران و دهقانان را با دولت بوجود آوردند. چپ نمایان که در اوان انقلاب با الگو برداری ناشیانه از انقلاب اکتبر روسیه شورا های آن زمان را از ارگانهای دیکتاتوری پرولتاریائی پنداشتند، پس از آنکه در این مورد با ناکامی مواجه شدند، روش دیگری برگزیدند که همانا بیش از گذشته عقب ماندگی و کودنی خویش را بنمایش میگذاشتند. چپ نمایان این بار مرتبه خوان حقوق مدد در صاقتصادی کارگران گردیدند و بیکباره از "مبارزه" بر علیه امپریالیسم دست کشیده و مبلغ درخواستهای صنفی کارگران از آب در آمدند. و با این سیاست خود عملاً مبلغ عدم شرکت کارگران در مبارزه سیاسی و ضد امپریالیستی شدند و در موضع سندیکالیست های عقب مانده بورژوازی قرار گرفتند.

۲- جریان ناسالم دومی هم موجود است که از ابتدای انقلاب تا کنون، بطرق مختلف مانع دستیابی زحمتکشان به حقوق حقه خویش میگردد. عمده این جریان را دستگاه اداری باقیمانده از رژیم پیشین و عناصر خرگوش گرفته به آن وفوانین دست و پا با آن، تشکیل میدهد. این جریان ناسالم (سرمایه داری دولتی) بدون توجه به خواستهای برخی زحمتکشان، که نیروی اصلی انقلاب بوده و انقلاب بدست آنان انجام پذیرفته است، خود سرانه به اخلال و کار شکنی مشغول است. تشکیل بیرونی ضد کارگری بنام نیروی ویژه "که یادآور ما مورسین حفاظت کارخانجات در رژیم گذشته است، تصویب قوانین و مقررات ضد اعتصاب و تعیین جازاتهای برای آن، اخراج کارگران و ... نمونه هایی هستند از برخورد ضد کارگری ایمن سرمایه داری دولتی نسبت به زحمتکشان و خواستهای عادلانه آنها

استقلال آن هستند، تا مین نماید.



تولیدی بسیاری، در حین مبارزه برای برآوردن خواستهای خویش، اجازه اخلال به چپ نمایان و فرصت طلبان را نداده و آنان را از صفوف خویش به بیرون رانده اند. انقلاب و طایف سنگین تری نیز برای ادامه انقلاب بر دوش کارگران میسند، آنان باید در مبارزه ضد امپریالیستی مردم ما، نه در کنار این مبارزه بلکه پرچمدار مبارزه علیه دوا بر قدرت و سرمایه داران - وابسته بوده و در امپریالیزاسیون محیط خویش بکوشند.



امروز بیش از هر زمان دیگری بروشنی بیدار است که برای نیروی در زمینه اقتصادی و رشد تولید ملی و بدست آوردن خود کفائی از تولیدات خارجی، باید تکیه اساسی را بر روی





# ایران را به پایگاه مستحکم ضد دوا بر قدرت تبدیل کنیم

جنب منفی این پدیده، عدم شرکت مستقل پرولتاریا بعنوان یک طبقه در صحنه سیاسی و هژمونی بورژوازی و خرده بورژوازی بر بخش بزرگی از اوست. امری که در انجام وظیفه اساسی سیاسی در این مورد، یعنی ایجاد وحدت ضد امپریالیستی کارگران (صرفنظر از ایدئولوژی‌های گوناگون) اخلال میکند. اما تجربه نشان داده است که توده‌ی کارگران طالب وحدت ضد امپریالیستی خود در مبارزه است و اخلال انحصار طلبی، انقلابی نمائی خرده بورژوازی، افکار ضد کمونیستی را که در امر

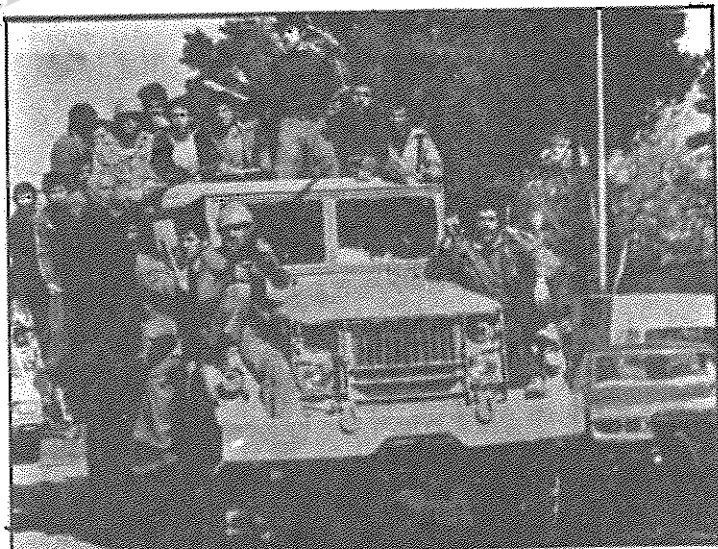
حزب رنجبران ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر، در اولین سال پس از ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی، در اولین سال ادامه‌ی انقلاب و در میان توفان جنبش‌های توده‌ای و انقلابی، پس از ۱۵ سال تدارک مارکسیست - لنینیستی ایران متولد شد و پرچم سرخ پرولتاریا را در صحنه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی و ملی میهنی برابر است.

اساس خط مشی حزب را سازمانها و گروههای تشکیل دهنده‌ی آن در سراسر سال بکار بسته بودند و امروزه پس از یکسال از گذشت قیام پیروزمند بهمن ۵۷، با اطمینان و بسروشنی و افتخار میتوان گفت که جریان ادامه‌ی انقلاب، کلیه وقایع و مبارزات کلیه‌ی و ملی خلقهای میهن ما در سال گذشته صحت خط مشی سیاسی حزب را نشان داد و این خط مشی از کوره‌ی مبارزه سربلند و پر افتخار بیرون آمد. در بررسی جریان ادامه‌ی انقلاب در سال گذشته، ما سه مسئله اساسی را مورد بررسی قرار میدهم و در هر مورد نگاهی به آینده نیز می‌افکنیم.

## طبقه کارگر

پرولتاریای ایران سپاه نیرومندی است که بیش از یک جمعیت کشور را تشکیل میدهد و ستون فقرات تولید، جنبش‌های توده‌ای و مبارزه‌ی ضد امپریالیستی است. وضع معیشتی بخش بزرگی از پرولتاریا بسیار نابسامان بوده و مبارزه‌ی معیشتی بخش مهمی از مبارزات او را در سال گذشته تشکیل میداده است. خواسته‌های معیشتی برای اکثریت طبقه هنوز موجود بوده و حل نشده باقی مانده‌اند و در آینده نیز جنبه‌ی مهمی از مبارزه‌ی طبقه را تشکیل خواهند داد.

منفی وحدت اسلام مبارز ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلاب بودند، اما با ضربه خوردن به انحصار طلبی، رشد جریان تصمیح در میان بخشی از ملی گرائی، ایجاد حزب رنجبران و طرح وسیعتر شعار وحدت سر نیرو و پیاده کردن عملی آن در چندین مورد، سیر حرکت اوضاع بسود تحکیم مناسبات میان سه نیرو، رشد حقانیت این نظریه در میان توده‌هاست حرکت انقلابی کشور و منافع عالی آن این وحدت را به جنبش انقلابی توده‌های متناسب با بسط نیروی حزب بیک معنا



تحمیل خواهد کرد. مبارزه برای تحقق این وحدت در دستور کار همه نیروهای استقلال طلب بویژه گردان حزب رنجبران از این سپاه قرار دارد. بویژه از آنجا که حزب پرچمدار راستین وحدت سه نیرو، پیشروترین و قاطع‌ترین مبارز ضد امپریالیستی بوده و در آینده نقش مهمی را در حفظ و تحکیم وحدت خلق و تعمیق آن بر اساس استوارتر، چه سیاسی و چه طبقاتی، بازی خواهد کرد.

## مبارزه علیه تجاوز

دشمن اصلی هستند. با توجه به وضع جغرافیایی و سیاسی میهن روسیه امپریالیستی از میان‌بند و خطر بیشتری برای استقلال میهن ماست. شرایط جهانی و منطقه‌ای، انقلاب درون کشور را با مبارزه جهانی بیشتر قفل کرد و امروزه در صحنه‌ی کشور معیار صف بندی ها بر اساس برخورد نیروها به آمریکا در روسیه بعنوان دشمنان اصلی انقلاب تعیین میشود. نه مسائل فرعی درجه دو. وظیفه ایجاد اتحاد بزرگ ملی علیه دو ابر قدرت، پاسداری از آن در برابر اخلال آیندو وظیفه ملی و میهنی و انقلابی است که ادامه انقلاب در سال آینده بردوش کلیه نیروهای میهن پرست بویژه حزب قرار داده است.

با توجه به اجتناب ناپذیر بودن آغاز جنگ سوم جهانی، موقعیت استراتژیک ایران مسائل درونی انقلاب آن، امروزه وظیفه تبدیل ایران به یک پایگاه مستحکم انقلابی ضد دو ابر قدرت در منطقه در راس وظایف استراتژیکی ملی کلیه نیروهای استقلال طلب بویژه حزب قرار دارد. ساختمان این پایگاه در صحنه های اقتصادی از طریق شکوفائی اقتصاد ملی، رفاه خلق، قطع وابستگی، و همچنین تدارک سیاسی حل تضادهای درون خلق ایجاد مرکزیت ملی ضد دو ابر قدرت اجرائی سراسر کشوری وحدت سه نیرو، و تشکیل نظامی ایجاد ارتش ۲۰ میلیونی، تقویت سپاه پاسداران و رهبری شده از طرف مرکزیت کشوری، نوسازی و تقویت ارتش و پاسداری از آن در قبال نفوذ عوامل ابر قدرتها بویژه روسیه، شکوفائی فرهنگ ملی و مردمی و همه و همه وظایف عالی ملی و انقلابی هستند که در برابر همه نیروهای استقلال طلب برای ساختمان این پایگاه انقلابی ضد دو ابر قدرت برای مقابله با جنگ و تجاوز ابر قدرتها قرار دارد. میلیونها نفر از توده‌های خلیق

مورد پشتیبانی برخشی فتودالها و روسای عشایر بوده است برنامه قبضه کردن کامل قدرت سیاسی در منطقه را داشته و جناح حساسی - بلوریان مودیانه در صدد استفاده از این شرایط برای استقرار یک قدرت حاکمه وابسته بروسیه در کردستان بوده‌اند.

رژیم بعثی عراق نیز با کمک کردن و دادن اسلحه به برخی جناحها و حتی بوجود آوردن نیروی کاملاً وابسته بخود ( سپاه رزگاری شیخ عثمان نقشبندی) سعی در گرفتن ماهی از آب گل آلود نموده است. برخی نیروهای چپ نمای اساساً غیر کُرد مثل چریکها و پیکار و..... نیز کردستان را منطقه "مناسبی" برای ایجاد پایگاه برای مبارزه با دولت مرکزی یافته و بر مشکلات موجود در منطقه افزودند.

باین ترتیب در دوران ۶ ماهه قبل از جنگ، کردستان بتدریج تبدیل به بشکه باروتی شد که برای منفجر شدن به جرقه کوچکی احتیاج داشت. حوادث پاوه در آخر مرداد که بنحوی و غلبه آمیز و خارج از بعد واقعی از طرف دولت گزارش شد و در سراسر کشور انعکاس یافت جرقه ایجاد جنگ برادر کشی رازد، دولت که تا آنزمان سیاست اصولی را در مورد کردستان دنبال نکرده بود با ایجاد جنگ نیز بجای ضربه زدن به ضد انقلاب وابسته به ابر قدرتها، همه نیروهای سیاسی و حتی خلق کرد را بیک چوب راند و عملاً خود را در برابر خلق کرد قرار داد و خلق کرد دست به مقاومتی وسیع زد.

صدمات و لطمات مادی و معنوی زیادی که این جنگ برادر کشی برای همه خلقهای ما منجمه خلق کرد و مجموعه انقلاب شکوهمند ملی و ضد امپریالیستی ما بیار آورد همداری بزرگ و زمینه سازی جدی بود که مسائل درون خلقی تنها از طبقه مسالمت طلبان جدا

و باین ترتیب ابر قدرتها را از امکان سوء استفاده از متاله ملی از قبل خلق سلاح کرد.

۳- معیار اساسی در تمیز دوست از دشمن مستقل بودن یا وابسته بودن نیروهاست نه صرف پشتیبانی از امر عادلانه ملیتهای کشورمان و سینه چاک کردن برای "خودمختاری" یا نزلزل و تردید داشتن در قبول حقی خودمختاری و نه صرف "ملایم بودن" و "انعطاف" پذیر بودن نسبت به دولت یا "تندرو بودن در برابر دولت.

۴- در مسائل مربوط به ملیتها باید با شمشکوی بدنبال شناختن و خنثی کردن عوامل دوا بر قدرت و توطئه‌های آنها بود چه آنها به سوء استفاده بزرگی از این مسائل کمر بسته‌اند.

۵- دولت باید در مناطق ملیت نشینی کشور سریعاً و وسیعاً به اجرائی اقدامات عمرانی، اصلاحات ارضی به نفع دهقانان بپردازد و بهبود وضع معیشتی و اقتصادی مردم این مناطق را تامین کند.

۶- تبلیغات و اخبار در رسانه‌های گروهی باید واقعیات را منعکس کنند و یک جو دوستی و احترام عمیق نسبت به ملیتهای مختلف بوجود آورند. باید با ارزشه شوم برخوردهای برتری طلبانه در زمینه فرهنگی و اجتماعی مبارزه جدی شود. در مناطق ملیت نشینی نیز باید با طرح مسائل و مشکلات مجموعه کشور و انقلاب روحیه عالی وحدت طلبانسه موجود در ملیتهای کشور را در جهت توسعه و تحکیم هرچه بیشتر وحدت و همبستگی ملی تقویت نمود.

تجربه‌ی یک ساله کردستان نشان میدهد که شعار "استقلال برای ایران، خودمختاری برای ملیتها" شعار راستین است و تمام انحرافات سیاسی موجود ناشی از انحراف از این شعار اساسی بوده است. حل مسئله ملی تابع وظیفه کل انقلاب است و در حل مسئله کردستان نیروهای

از مبارزه‌ی طبقه را تشکیل خواهند داد

با نابودی رژیم شاهنشاهی پرولتاریای صنعتی گامهای مهمی برای ایجاد شکل‌های اقتصادی خویش برداشت. که بدو شکل اتحادیه و شورابروز میگرد. اما بواسطه خصلت انقلاب و عوامل دیگر، تداخل با شکل‌های خرده‌بورژوازی موجود بوده و گرچه این امر در مقطعی در اوان انقلاب بعنوان جنبه واحدی علیه ضد انقلاب دارای نکات مثبتی بود، ولی با رشد انقلاب و روشنتر شدن صف بندی‌ها، نکات منفی این تداخل بیشتر شده و هم اکنون ایجاد شکل‌های طبقاتی کارگران در سطح تولید مستقیم، بعنوان وظیفه‌ای مهم در برابر پیشروان طبقه قرار گرفته است.

اخلال خرده‌بورژوازی در مبارزات و شکل‌های اقتصادی کارگران در طول سال موجود بوده و هنوز نیز وجود دارد و بصورت تلاش خرده‌بورژوازی برای فاسد کردن طبقه و کشیدن او به مبارزه اقتصادی صرف، محدود کردن دید او و محله، تبلیغ ایدئولوژی مزد زیادتر و کار کمتر بعنوان عملی انقلابی و یا پرورش مبارزه اقتصادی علیه سرمایه‌دار بعنوان مهمترین مسئله کارگران، همه و همه اشکال مختلف تلاشهای خرده‌بورژوازی برای تامین سرگردگی خود بر پرولتاریا از طریق فساد و منحرف کردن او بوده‌اند. و این مبارزه ایدئولوژی سیاسی و سازمانی نیز جنبه‌ی دیگری مبارزه‌ی پیشروان طبقه برای کسب استقلال طبقاتی پرولتاریا در تمام زمینه‌ها می‌باشد.

خصلت ضد امپریالیستی انقلاب، حاد بودن تضاد با رژیم سابق، سابقه ننگین حزب توده و عوامل دیگر باعث رشد افکار ضد حزبی در بخشی از پرولتاریا گشت. و خرده‌بورژوازی برای تامین هژمونی خود، افکار ضد کمونیستی را هم چاشنی غیر حزبیت نمود تا کارگران، خود را در توده‌های التقاطی و کنگ به جنگ بورژوازی بزرگ بفرستد و از این مبارزه برای منافع تنگ‌نظرانه تولید کنندگان کوچک سود برد. طبقه کارگر در طول سال در مبارزه‌ی سیاسی بشکل شرکت در جنبش‌های توده‌ای که عمدتاً از طرف اسلام مبارز هدایت میشد شرکت جست و این نکته‌ای بس مثبت در زندگی طبقه کارگر بود که او را هم چنان در صحنه‌ی سیاسی فعال و حساس نگاه داشت.

و منسجم کرد و شرایط اساسی را برای ایجاد استخوان بندی محکم پیشروان طبقه در میان آن برای هدایت خود طبقه و مجموعه‌ی خلق بوجود آورد. بسط و گسترش و تحکیم این استخوان بندی حزبی در سراسر کشور دز پراتیک توده‌ای و طبقاتی و ملی، وظیفه دیگری است که در برابر پیشروان طبقه قرار گرفته است.

### اتحاد بزرگ ملی

تغییر و تحول ایجاد صف بندی‌های جدید در سپاه عظیمی که رژیم شاه را سرنگون کرد، امری طبیعی بود و سال گذشته نیز ما شاهد این تحولات، قطب بندی‌های جدید و تجزیه نسبی این سپاه بودیم، اما اساسی‌ترین نکته امیدوار کننده‌ترین آن، باقی ماندن استخوان بندی اساسی سپاه مذکور بود و هم اکنون میتوان گفت که بیش از ۸۰ درصد جمعیت مؤثر سیاسی کشور، متحد و تحت رهبری اسلام مبارز و امام انقلاب را ادامه میدهند و ستون اصلی حفاظت استقلال میهن و ساختمان آن هستند. این سپاه در سال گذشته از دو سو، از سوی دو ابر قدرت آمریکا و روسیه مورد حمله قرار گرفت. ابتدا از سوی غرب، در زیر پرچم "دوکراسی" که در اواسط تابستان در مصاف با این سپاه تار و مار شد و سپس تجزیه گردید و در ماههای اخیر از سوی شرق بشکل انقلابیگری کاذب و مداراجوئی انقلابی نما با روسیه مورد حمله قرار گرفته است که هم اکنون در جریان نبرد آن هستیم.

تضاد میان بورژوازی متوسط، بزرگ و خریده بورژوازی جریان مهم دیگر در زمینه‌ها اتحاد بزرگ بود و در عرض سال در این مورد نیز با انحراف محافظه کاری بورژوازی و انقلابیگری کاذب خرده بورژوازی روبرو بودیم. البته مصاف میان قدرت طلبی و انحصار طلبی چند نبرد داشت اما اکنون حاد شدن تضاد میان جناح حاکم به مسئله اصلی در این زمینه تبدیل شده است. گرچه هنوز مسئله کی‌سرکی در نبرد خرده بورژوازی با بورژوازی حل نگشته است اما حرکت بزرگ توده‌های مردم در آینده وحدت را با طرد عناصر افراطی دو طرف بوجود خواهد آورد. اشتباهات ملی‌گرائی و انحصار طلبی اعمال شده نسبت به آن، اخلال چپ‌نماها تحت نام سوسیالیسم و انحصار طلبی ربر پرچم اسلام همه عوامل

## مبارزه علیه تجاوز دو ابر قدرت و دفاع از میهن

ضربه‌ای که انقلاب ایران بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد آورد این امپریالیسم در حال زوال را گامی دیگر به گور خود نزدیکتر نمود و در آرایش عمومی دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، از یکسو بسودر قیاب آمریکا بود و از سوی دیگر با ایجاد کشوری انقلابی و ضد دو ابر قدرت، سدی در برابر نقشه‌های سلطه جویانه روسیه در منطقه و جهان ایجاد کرد.

این تاثیر دوزگانه انقلاب ایران در آرایش نیروهای دو ابر قدرت انعکاس خود را در داخل کشور نیز یافت و پایهای برای رشد دو خط مشی متضاد شد: خط فقط ضد آمریکائی و سازشکاری با روس و خط انقلابی ضد دو ابر قدرت و مبارزه میان این دو خط مشی از ابتدای سال وجود داشت و در آخر آن شدت تشدید شد، از نوعی مداراجوئی نسبت به هر دو ابر قدرت به انقلابیگری کاذب ضد آمریکائی و معاشات‌گرانه با روس کشید و سپس توده وسیع مردم سر بلند سرگرد و پرچم خط انقلابی و اصیل نه شرقی نه غربی را بر صحنه کشور هر چه بیشتر باهتر از در آورد و دستاوردی دیگر برای انقلاب ببار آورد. دستاوردی که باید از طریق مبارزه با مداراجوئی با ابر قدرتها، بویژه انقلابیگری کاذب سازشکار با روسیه در همه سطوح و صحنه‌ها، تحکیم شود.

تجزیه‌ی یکسال اخلال دو ابر قدرت گشان داد که آنها در شرایط فعلی مبارزه درون کشوری را صحنه‌ی مهم اخلال در انقلاب میدانند و نه تجاوز علنی، و در این امر امپریالیسم روسیه بویژه فعال بود و مطابق با تاکتیک همیشگی اش جسدین اسب را با هم می‌تازاند و در هر سوراخی انگشت می‌گردد و می‌کشد.

اشغال افغانستان هم چشم‌ها را باز کرد و هم خطر تجاوز ابر قدرتها را به میهن تشدید نمود و افق جنگ سوم جهانی را نزدیکتر آورد و مسئله دفاع از میهن در برابر تجاوز جنگی ابر قدرتها بویژه روسیه را بیشتر ملموس نمود و روشنتر شد که دو ابر قدرت

با جنگ و تجاوز ابر قدرتها قرار دارد. میلیونها نفر از توده‌های خلق برای انقلاب، دفاع از استقلال و ساختمان کشور بسیج‌اند، خط اساسی حزب انعکاس اساسی‌ترین خواسته‌های راستین توده هاست، بمیان طوفان جنبش‌های توده‌ای و زحمتکشان رویم و وظیفه استراتژیک ساختمان ایرانی نیرومند، مستقل، ساختمان پایگاه، مستحکم ضد دو ابر قدرت را با تمام نیرو در پیوند با توده‌ها و وحدت سه نیرو با تکیه به طبقه به پیش بریم.

### درس‌هایی از

مرد، دماه " دوره جنگ و دوران آتش بس و شروع مذاکرات از یکسو دولت مرکزی بجای رسیدگی کامل بخواسته‌های خلق کرد، مذاکرات جدی بسا شخصیتها و نیروهای سیاسی مستقل و غیر وابسته کرد، متحد شدن با خلق کرد و تمایز گذاردن میان ضد انقلاب وابسته با بر قدرتها و نیروهای چپ رو یا چپ نما، سیاست متحد شدن با فئودالها و مرتجعین محلی ( تا حد مسلح ساختن آنها ) و نیز نیروی وابسته قیاده موقت، شانه خالی کردن از مذاکرات پیگیر و جدی و انعکاس نادرست اخبار و حوادث

کردستان و بی‌اعتنائی به مسائل اقتصادی و رفاهی خلق کرد بویژه دهقانان را در پیش گرفت. از سوی دیگر رهبری حزب دمکرات و بویژه جناح وابسته بس روسیه ( حسامی - بلوریان، با ایجاد یک نیروی مسلح بزرگ و تقویت بیشتر این نیرو از طریق اشغال پادگانهای ارتشی و بدست آوردن سلاحهای دولتی دست به نمایش قدرت در کردستان زده و با دولت مرکزی کوس برابری و هماوردی زده و یک جو متخاصمانه که به دیگر نیروهای سیاسی موجود در منطقه که نسبت به دولت سیاست چپ روانه‌ای داشتند، تحمیل شده بود، بوجود آورد. رهبری حزب دمکرات که

زمینه سازی جدی بود که مسائل درون خلقی تنها از طریق مسالمت آمیز و از راه گفتگو قابل حل است. بعد از پایان جنگ و شروع آتش بس و متعاقباً مذاکرات، عوامل وابسته به ابر قدرت روسیه (با اندکی انوری در حزب توده در تهران و جناح حسامی - بلوریان در کردستان) کوشیدند و هنوز هم تلاش دارند تا این مذاکرات را بجای مذاکره میان دولت مرکزی و خلق کرد و نیروها و شخصیتهای سیاسی مستقل کرد به مذاکره میان دولت و عوامل روسیه تبدیل کرده از این مذاکرات خود سود برده و قدرت سیاسی را در منطقه بدست گیرند.

یک چنین توطئه‌ای مورد مخالفت شدید همه مردم ایران منجمه خلق کرد و کلیه نیروهای سیاسی مستقل جامعه ما قرار دارد دولت نیز در دوران پس از جنگ تاکنون به دادن یک طرح خودگردانی اکتفا کرده و در تعقیب مذاکرات پیگیر و جدی نبوده است و اصولاً نسبت به مذاکرات سیاست مبهم و سردرگمی را دنبال میکند. بعقیده ما درسها و نتایجی که در این مورد میتوان بدست داد عبارتند از:

- ۱- ارزیابی علمی و واقع بینانه از انقلاب عظیمی که در کشورمان صورت گرفته و شناخت این مساله که رژیم کنونی و طبقات حاکمه فعلی ماهیت ملی و خلقی دارند و میبایستی در امر مبارزه علیه امپریالیسم بویژه دو ابر قدرت و برای کسب سه هدف اساسی این مرحله انقلاب یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی در جهت وحدت با آن کوشید و مبارزه کرد.
- ۲- پذیرش این واقعیت که کشور ما چند ملیتی است و درست برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و در چارچوب آن حقوق ملی این ملیتها را برسمیت شناخت

وظیفه کل انقلاب است و در حل مسئله کردستان نیروهای استقلال طلب کرد نقش کلیدی دارند. این واقعیت که نیروهای مستقل کرد مسئله خودمختاری را جدا از استقلال دیده‌اند موجب شده است که حل این مسئله را در اتحاد با نیروهای وابسته به ابر قدرت روس ببینند و سیاست سازشکارانه‌ای را نسبت به این نیروهای وابسته اتخاذ کنند. تصحیح این اشتباه خط مشی ای از طرف نیروهای مستقل کردستان کلید حل صحیح مسئله خدمت تقویت مبارزه ضد امپریالیستی و تحکیم استقلال ایران و کسب حقوق حقه ملیتها ایران است.

### آیت الله منتظری

سخنان آیت الله منتظری در تشبیه ابر قدرتها آمریکا و روسیه به شیرهای برفی حقیقت مهمی را بیان میکند. دو ابر قدرت آمریکا و روسیه قدرت نظامی زیادی دارند و ما هیئتاً درنده خو و جناحینکار هستیم اما وقتی که مردمی متحد شوند و راه را ده کنند آنها را شکست خواهند داد. اتحاد و اراده‌ی مردم انقلابی همچون اشعه آفتابی است که این شیرهای برفی را با سانی آب میکند و آنها را فرو میریزد. انقلابات جهان و انقلاب اسلامی ایران این حقیقت را اثبات کرده‌اند.

**رنجبر**  
**ارگان حزب رنجبران ایران**  
مدیر مسئول علی حجت سردبیر فرامرز وزیري  
نشانی - خیابان انقلاب  
خیابان رامسر، کوچه آراسته  
شماره ۱۷  
تلفن: ۸۲۰۶۹۱  
چاپ سکه



# مسائل ساختمان اقتصادی در قلاطم انقلابی

یکسال پس از پیروزی انقلاب

انحصار طلبی فرهنگی سدی در راه شکوفایی

فرهنگ و هنر مردمی

بوجود آورد که سوده های حلیس فرهنگ و هنر انقلابی خود را رشد دهند و شکوفا سازند و فرهنگ و هنر ارتجاعی و امپریالیستی را به عقب رانده و از صحنه جارو کنند . اما فرهنگ راستین در خدمت مبارزه و انقلاب جامعه چیست ؟ تشخیص درست و نادرست اگر با تکیه به توده ها باشد مشکل نیست . فرهنگ انقلابی امروز جامعه ما ، فرهنگی توده های ، ملی و علمی است . فرهنگ توده های طی سالها و قرنها همراه زندگی و مبارزه توده ها شکل گرفته و رشد کرده است و توده ها با آن بسیار صمیمی هستند . آهنگ ها ، ترانه ها ، داستانها و آداب و رسوم مردم بخصوص در میان زحمتکشان اصل ترین فرهنگ توده های جامعه ما میباشد . فرهنگ اسلامی نیز خود بخش مهمی از فرهنگ توده های جامعه ماست .

این فرهنگ اصیل باید بتواند خود را عرضه بدارد و در قالبهای فرهنگی و هنری پیشرفته تری شکوفا شود . فرهنگ ملی در میهن ما از ملیتهای مختلف فارس ، کرد ، آذری ، بلوچ ، ترکمن ، عرب و اقلیتهای ملی خود زمینه های بسیار غنی از فرهنگ انقلابی خلقهای میهن ما را در بر دارد . این فرهنگ بعنوان فرهنگ ایرانی باید در کنار آزادی ملت از قید و بند های امپریالیسم و ستم های فرهنگی مختلف آزاد شود و خلقهای ایران بتوانند با رشد و شکوفایی فرهنگ ملی خود ، در زندگی و مبارزات میهن هر چه بیشتر سهم باشند و به وحدت و یکپارچگی ملی خدمت کنند . فرهنگ علمی در میهن ما از تجربه طولانی زحمتکشان و مردم در تولید و ادامه انقلاب میهن میتواند نقش ارزنده ای " ایفا " نماید . فرهنگ علمی همچنین باید با فرهنگ توده های و ملی خلقهای میهن ما تلفیق شود و به رشد و تکامل آن کمک کند . فرهنگ توده های ، ملی و انقلابی بهیچوجه با اسلام و فرهنگ اسلامی منافات ندارد و انحصار طلبان در این مورد یا دانش کافی ندارند و یا دچار تنگ نظری فرقه ای هستند .

صد امپریالیستی را کنار گذاشت بلکه باین وسیله تاریخ مبارزه بین فرهنگ مترقی و ارتجاعی را نیز منکر شده و از اشاعه و تبلیغ فرهنگ مترقی جلوگیری نموده است . از جنبش مشروطه تا کنون مبارزه دو نوع فرهنگ و هنر ملی و وابسته ، توده های و درباری ادامه داشته و چه افرادی از هنرمندان مردمی که جان بر سر این مبارزه نیاخته اند . همچنین انحصار طلبی فرهنگی ، هنر و ادبیات توده های خلق که در نتیجه کار تولیدی و مبارزه طبقاتی و ملی آنها بوجود آمده را نیز متوقف نمود . سر شادی و سرور مردم سرپوش گذارد ، احساسات توده ها را به هیچ گرفت و باعث گردید تا دوباره زمینه های بازگشت فرهنگ ارتجاعی و امپریالیستی هموار شود .

در اثر تنگ نظری و انحصار طلبی در زمینه فرهنگ و هنر در یکسال گذشته دو گرایش به شرق و غرب رشد نموده است . از یکسو مبلغین انقیاد ملی از حلقه موجود استفاده نموده و مانند همیشه به تبلیغ وابستگی به روسیه و اقشار همت میگذارند . این امر باعث شده که تعدادی فیلمها و آثار امپریالیسم شرق در تلویزیون و سینماهای ما نمایش گذاشته شود و کار را به جایی برساند که دز سیمای جمهوری اسلامی از چهره مزدوری چون کاستر و بعنوان قهرمان نام برده شود و هم آغوش خروشچف و کاسترو را برای مردم ما به عنوان راه استقلال جا بزنند و از طرف دیگر ابر قدرت آمریکا و امپریالیستهای غرب با نخوت آهنگها و ارائه هنر خود شونندگان بیشتر را بسوی خود جلب نموده و تا آنجا پیش روند که رادیو صدای آمریکا با استفاده از هنر و موسیقی ایرانی در برنامه های خود ، شونده جلب کرده و مقاصد امپریالیستی اش بوسیله اخبار بخورد مردم آزاده ما دهد و همچنین زمینه را برای بازگشت مجدد فیلمهای بنجل آمریکائی باز کند . پس از انقلاب اهرمهای ارتجاع و امپریالیسم در زمینه فرهنگی و هنری فعال شده با ابتکارات جدید سعی در قالب کردن بنجل های خود نموده اند ، فیلمهای قدیمی و ارتجاعی را با دبله نمودن بشیوه باصطلاح " انقلابی " به خنده و مده داده ، داد ، ندانند .

با اوج گیری مبارزات مردم و بلرزه افتادن پایه های رژیم فاسد پهلوی ، ادبیات و هنر تحت سلطه نیز تنگانی سخت خورده و مترسکان طاغوتی و درباری قبل از خود عناصر وابسته وجود لوثخود را از این سرزمین بیرون کشیده و به کشورهای تغذیه کننده هنر شان پناهنده شدند . دیوارهای مابرو و خیابانها ، تابلو های زیبایی از ادبیات پر خاشاک و مبارز توده ها گردید و برای همیشه در ذهن تاریخ ادبیات و هنر معاصر مهر خود را کوید . میلیون ها توده مردم سراینده و خواننده اشعار و قطعه های زیبایی علیه امپریالیسم و ارتجاع شدند که بی شک در تاریخ ۷۰ ساله مبارزه رها نیش خلقهای ایران علیه استعمار و استبداد بی نظیر بود . در این مبارزه گسترده اجتماعی ، فرهنگ غریزده و فرنگی مآب بسادگی طرد گردید و فرهنگ و هنر فئودالی نیز به موزه آثار عتیقه سپرده شد . در این دوران شعار ها و اشعار و تصاویر نمایشهای حیوانی که از خواست ستمدیدگان مایه گرفته بودند حربه برنده های علیه رژیم طاغوت گشتند و در کنار قهر توده ها در میثیگها و نظاها آنها و اعتصابات ، امپریالیسم و وابستگی به آن را در زیر ضربات خود گرفتند . اما امروز پس از یکسال بنظر میرسد جامعه هنری و ادبی ما نتوانسته با انقلاب به پیش رفته و پاسخگوی نیاز توده ها باشد . علت اساسی را باید در برخورد منفی به هنر و فرهنگ بطور کلی و خط مشی انحصار طلبی فرهنگی بطور خاص جستجو نمود که لاجرم به مشکل بزرگی در عدم شکوفایی در این بخش از جنبش رهایی بخشی مردم ما منجر گردیده است . حمله بی مهابا به فرهنگ و هنر ارتجاعی و استعماری گامی بزرگ در پاکسازی فرهنگی بود ، بستن و قطع کثافات تحویق آوری بنام هنر از رادیو تلویزیون ، برداشتن آثارهای مسخره و تحذیر کننده ، متوقف کردن فیلمهای انحرافی و کاملاً " ضد انسانی و غیره از جمله گامهای مؤثر در پاکیزه نمودن صحنه فرهنگی و هنری میهن بود ، ولی بخاطر رشد و تقویت گرایش انحصار طلبی در زمینه فرهنگ و هنر از طرف بخش انحصار طلبی ، نه تنها خواه است

که دولت در موارد بسیاری و بخصوص در زمینه کشاورزی اینجا و آنجا سیاستهای مبنی بر رشد اقتصاد ملی در این رشته و توسعه صنایع ملی اتخاذ کرده است ، اما اینها هیچگاه به صورت یک برنامه جامع و مدون در نیامد . سیاست های دولت در زمینه کمک به رشد اقتصاد روستائی ، ایجاد راههای روستائی و کمک به صنایع وابسته به کشاورزی سیاستهای درست است که باید هر چه بیشتر تکامل یابد . اما دولت با بی اعتنائی و عدم توجه اساسی به مسائل دهقانی نمی تواند مسائل جامعه روستائی ایران را جوابگو باشد . در زمینه مبارزه با بقایای سرمایه داری و وابسته ، که بخش مهمی از آن در نهاد های بورکراتیک دولتی آشیانه کرده ، دولت اقدام قاطعی به عمل نیاورده است . سرمایه داری دولتی در رژیم شاه عظیمترین بخش سرمایه داری وابسته بود . بورکراسی دولتی در مجموعه سیستم ساخت و کار کرد خود در خدمت تحکیم سلطه و نفوذ امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و جلوگیری از رشد اقتصاد ملی بود . هیچ گونه دگرگونی اساسی در دستگاه بورکراتیک دولتی انجام نگرفته است و کماکان این بورکراسی یکی از موانع مهم رشد و گسترش نهاد های ملی اقتصاد است . پاکسازی ادارات و دگرگونی در موسسات دولتی یکی از خواستهای اساسی مردم ماست . هم اکنون بسیاری از صنایع کشور قادر نیستند بیش از ۵۰ درصد از ظرفیت تولید خود را بکار گیرند و تقریباً تمامی آنها با مشکل کمبود مواد اولیه و عدم تامین و اخلاص انقلابیگری کاذب روبرو هستند . فقدان سیاست روشن اقتصادی و عدم برنامه ریزی درست از عوامل بوجود آورنده این وضع هستند که باید هر چه زودتر مرتفع گردند . این نا بسامانیها در مجموع ، گرانی و بیگاری را تشدید کرده و شرایط زندگی را برای زحمتکشان بسیار طاقت فرسا نموده است .

در زمینه مبارزه با بقایای سرمایه داری وابسته و فراهم نمودن زمینه های شکوفایی اقتصاد ملی می توان چنین بر شمرد : اقدامات قاطعانه در جهت لغو قرار دادهای چندین میلیارد دلاری تسلیحاتی ، نیروگاههای اتمی ، پروژه های کاملاً زائد که هر یک میلیاردها تومان از دسترنج مردم مارا به جیب جهانخواران می ریخت . اینها خود ضربه سنگینی به امپریالیسم جهانی زده و حسابهای سود و زیان انحصارات بین المللی را بر هم زده و چاره اندیشی های آنها را برای تخفیف بحرانهای اضافه تولید و روند نزولی نرخ سود تا حد زیادی نقش بر آب ساخته است . دولت موقت تنها در یک قلم ۹ میلیارد دلار خریدهای تسلیحاتی از آمریکا را لغو کرد . این دولت قرار داد ۵ میلیارد دلاری خرید زیر دریایی از آلمان را لغو ساخته و به آلمان اعلام کرد که تنها حاضر است به جای زیر دریایی ، تکنولوژی کشاورزی و صنعتی وارد کند . . . . دولت جمهوری اسلامی جلوی ورود بسیاری از کالا های تجلی غیر ضروری را گرفت ، کالاهایی که بخش اعظم واردات رژیم شاه را تشکیل می داد . این دولت خریدهای انحصاری از شرکت های چند ملیتی غربی را در بسیاری از موارد لغو کرده و بخصوص در زمینه مواد غذایی عمدتاً با کشورهای جهان سوم مانند ترکیه ، تایلند ، آرژانتین ، زلاندنو و . . . معامله کرده است . رژیم شاه سالی ۱۶ میلیارد تومان برای کمک به خرید مواد غذایی پرداخت می کرد و حالا با توجه به اینکه ما مجبوریم مواد غذایی وارد کنیم ، این ارقام نجومی دیگر به جیب انحصارات امپریالیستی نمی رود بلکه روانه جهان سوم می شود . دولت جمهوری اسلامی طرح های خط لوله دوم و سوم صدور گاز به روسیه امپریالیستی را لغو کرد اما هنوز عملاً اقدامی برای شکستن انحصار فروش گاز به روسیه و تعدیل بهای فروش آن که یک چهارم بهای بین المللی است نکرده است .

بحران گریبان اقتصاد ما را می فشرد . بیماری ناشی از سالها وابستگی به امپریالیسم آن چنان در تار و پود اقتصاد ما سرایت کرده که علاج آن جز با سخت کوشی در راه گسستن بند های وابستگی و فراهم آوردن زمینه های رشد و اعتلای اقتصاد ملی امکان پذیر نیست . استقلال سیاسی ارمغان قیام شکوهمند بهمن بود و تحکیم آن برای ایجاد ایرانی مستقل و متکی بخود بدون دستیابی به استقلال اقتصادی امکان پذیر نیست . انقلاب در زمینه اوج گیری یک بحران بزرگ سرمایه داری وابسته حرکت می کرد . واردات کشور در بین سال های ۵۶ - ۱۳۴۷ در حدود ۹۴۴ درصد افزایش یافت . صادرات ایران به بازار مشترک در طی سالهای ۵۶ - ۵۲ در حدود ۳۱ درصد کاهش پیدا کرد . پس از افزایش بهای نفت تا سال ۵۶ خرید های تسلیحاتی رژیم شاه نزدیک به ۱۰ برابر شد . بخش عظیمی از سرمایه ها در زمین بازی به خواب رفته بود و به ندرت می شد یک فرد مرفه را پیدا کرد که در کنار دیگر کارهایش دست به زمین بازی نزده باشد . اعتصابات کارگری که در سالهای اولیه دهه ۵۰ پدید آمدند نادر بود در سیزدهم رکود اقتصادی یعنی سال ۵۴ به ۴۰ می رسد و در سال ۵۶ کمترین تولیدی یافت می شد که تجربه اعتصاب را از سر نگذراننده باشد . در حدود ۹۰ درصد از مردم ما هر روز شرایط زندگی شان سخت تر می شد و در همین حال سرمایه داری وابسته سیر صعودی به فرجام نزدیک می شد و در آستانه فرو پاشی قرار می گرفت . و حرکت طوفان آسای توده ها این ریزش و فرو پاشی را تحقق بخشید و بر حاکمیت سرمایه داری وابسته نقطه پایان گذاشت . اما این نقطه پایان تنها سر حاکمیت سیاسی سرمایه داری وابسته است و جامعه ما حضور سنگین بقایای این حاکمیت را به ویژه در زمینه های اقتصادی نظاره می کند . امپریالیسم اقتصاد ما را به اسارت در آورده است ، امروزه رژیم سرمایه داری وابسته ، در پهنه حاکمیت سیاسی

## مبارزه برای کسب

در آرزو است. امروزه رژیم سرمایه‌داری وابسته، در پهنه حاکمیت سیاسی سرنگون شده است و وظیفه مرکزی و بنیادی دولت ملی ما بسیج توده‌ها و استفاده از تمامی امکانات برای مقابله با بقایای سلطه و نفوذ امپریالیسم و رشد اقتصاد ملی است.

دولت جمهوری اسلامی وارث یک اقتصاد خراب و به بن بست رسیده است. کارنامه یک ساله این دولت، که از نظر طبقاتی عمدتاً متشکل از نمایندگان سیاسی طبقات انقلابی غیر پرولتری است، نشان می‌دهد که در پاسخ به مسائل اساسی انقلاب در زمینه‌های اقتصادی، علیرغم حرکات مثبت، در مجموع نتوانسته با روند عمومی انقلاب و ضرورت‌های این مرحله از رشد و تکامل جامعه همپا شود.

هر چند که تا بسامانی اوضاع سیاسی جامعه، اجازه طرح و اجرای برنامه‌های جامع اقتصادی را نداد، اما در محدوده شرایط یکسال گذشته دو عامل مهم در شکل یافتن اقتصاد ما اختلال کرده‌اند. این دو عامل عبارتند از انقلابیگری کاذب و محافظه کاری بورژوازی، که از راست و "چپ" به انقلاب ضربه می‌زنند.

محافظه کاری بورژوازی، که بیان تمایلات جناح سازشکار بورژوازی ملی است خواهان مدارا و مماشات با دو ابر قدرت و بقایای سرمایه‌داری وابسته است، امری که به هیچ وجه تطابق با حداقل خواسته‌های انقلابی توده‌های مردم ما ندارد.

انقلابیگری کاذب نیز که بدون تمایز گذاری میان سرمایه‌داری وابسته و ملی، خواهان مبارزه‌های کور با امپریالیسم و برقراری "جامه بی طبقه" در اسرع وقت می‌باشد، از آنجا که از درک ضرورت‌های مرحله کنونی تاریخ جامعه ما عاجز است ثمری جز ورشکستگی هر چه بیشتر اقتصاد ما ندارد. چراکه جامعه در شرایط فعلی، به حکم تاریخ، باید اساساً از طریق تقویت سرمایه‌داری کوچک و متوسط (ملی) و مقابله با توطئه‌های دوا بر قدرت و بقایای سرمایه‌داری وابسته به سوی استقلال کامل جهت‌گیری کند.

## کارنامه دولت جمهوری اسلامی

به طور کلی اقدامات مثبت و منفی دولت جمهوری اسلامی ایران را

در توجیه هر یک از تصمیم‌های دولتی و سایر اقدامات مهم دولت جمهوری اسلامی است.

محافظه کاری بورژوازی که به توده‌ها اعتماد نداشته و از مبارزه قاطع با امپریالیسم می‌هراسد، میل نداشت تغییر مهمی در ساخت و کارکرد این نهادها بوجود آورد و معتقد بود که تنها نباید حرفی از ملی کردن بانکها و صنایع وابسته در میان باشد، بلکه حتی باید از زانو صفتانی چون خیابانی‌ها و علی‌رضایی‌ها دعوت به بازگشت کرد. در مقابل انقلابیگری کاذب، که به نوعی زبان لایه‌هایی از سرمایه داران کوچک است فریاد می‌زد که هر چه زودتر "ملی" کنید! بدون

در نظر گرفتن هیچ شرطی و بدون هیچ مطالعه‌ای "ملی" کنید. اگر "ملی" نکنید، امپریالیسم دوباره می‌آید. این انقلابی‌نماها که ادعای "پیشاهنگی" هم دارند مفهوم ملی کردن را تا حد مصادره سرمایه‌های امپریالیستی و وابسته و اعمال نظارت شورای کارکنان بانک‌ها تنزل دادند!

رهبری غاصب چریکها و گروه پیکار که سردمداران این جریان بودند، طرح‌هایشان در مورد ملی کردن بانکها فرستگها از طرح بنی صدر - به قول اینان "بورژوا لیبرال" - عقب مانده‌تر بود. اینان حتی توجه نداشتند که بیش از ۹۰ درصد از سهام بانک‌های خصوصی متعلق به دولت شاه بود و نمی‌دانستند که تنها در ۶ ماه اول سال ۵۷، دهی این بانک‌ها به بانک مرکزی ۶۰ درصد افزایش داشت و اینها سرنا پا به دولت مقروض بودند. اینها نمی‌فهمیدند که تنها در آمریکا ۱۲ میلیارد دلار از ذخیره ارزی ایران نهفته است و بدون حتی یک جمع و تفریق ساده شمار مصادره نام و تمام می‌دادند. بگذریم از اینکه در گمان از مفهوم ملی کردن به کلی با مارکسیسم - لنینیسم بیگانه است

اما مهمترین ضعف دولت جمهوری اسلامی در زمینه اقتصادی، نداشتن یک برنامه جامع و روشن درباره وضعیت عمومی اقتصاد ایران و اینکه این اقتصاد باید چگونه حرکت کند وجه سیستمی را بپذیرد، میباشد. همین ضعف به اضافه عدم ثبات سیاسی مهمترین علت وحشت سرمایه‌داری ملی از سرمایه گذاری است. هر چند

## مبارزه برای کسب استقلال اقتصادی

برای نیل به استقلال اقتصادی، سیاست عمومی اقتصاد کشور ما باید اساساً متکی به رشد کشاورزی باشد. صنعت باید نقش رهبری کننده اقتصاد ما را داشته و متکی به رشد کشاورزی بوده و در خدمت این رشد قرار گیرد. کسب استقلال اقتصادی و نیل به خود کفایی بدون بسیج همه نیروهای خلقی جهت قطع بقایای سلطه و نفوذ امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته و توسعه و بازسازی اقتصاد ملی و بکارگیری همه امکانات برای ایجاد ایرانی آباد و شکوفا، امکان پذیر نیست.

توده‌های خلق نیروی اساسی در راه مبارزه برای کسب استقلال اقتصادی هستند، باید از این نیروی لایزال حداکثر استفاده را برد. دولت باید با بدست گرفتن رشته‌های کلیدی و حیاتی اقتصاد، سازندگی اقتصاد ملی را در کلیه زمینه‌های دولتی، خصوصی و تعاونی به پیش برد. دولت باید از بوجود آمدن موسسات انحصاری جلوگیری نموده و با تکیه بر توده‌ها ایران را در مسیر کسب کامل استقلال اقتصادی قرار دهد.

## با اتحاد

منتخب مردم و موردتائید ما مام یعنی آقای ابوالحسن بنی‌صدر تا لغانه پشتیبانی نمود. با بددرا این زمینه با انحصارطلبی قدرت طلبی، انقلابی‌نمایی، پدیدده‌های ناسالم دیگر بویژه پدیده مهلک تعدد مراکز قدرت و "حکومت در حکومت" مبارزه کرد.

انحام و وظایف فوق مستلزم احساس مسئولیت شدید و حسن اعتقاد و فداکاری عمیق همه ایرانیان و بویژه اعضای و هواداران حزب ما است. ما در این سالروز تاریخی، از همه اعضا و هواداران حزب ما بمان مشتاقانه دعوت میکنیم که

طلبی در زمینه فرهنگ و هنر، بخشی از خاکمین، نه تنها خواست بحق مردم در این زمینه بی‌پاسخ ماند بلکه این گرایش عملاً به عامل بازدارنده در رشد و شکوفایی هنسری و فرهنگی تبدیل گردید. انحصارطلبی فرهنگی و هنری زیر پوشش اسلام، موسیقی، سرود، نقاشی، تاتر، و نمایشنامه و یا... راه بهانه غیر مذهبی بودن لعن نموده و گاهی نیز با برجسب غربی زدن جلوی رشد و توسعه آنرا گرفت. از هنر دوران گذشته ایزاری جهت ایران زدایی فرهنگ ایرانی استفاده کرده و عملاً "کار به آجا کشیده شد که معیارهای صد امپریالیستی، توده‌های و علمی فرهنگ و هنر را تابع مضامین صرفاً ازمن در آوردی نمود. انحصارطلبی هنری و فرهنگی از جهت دیگر باعث گردیده تا استعدادهای هنری نازا شده و حتی از ارائه هنر و موسیقی توده‌های و ملی نیز جلوگیری بعمل آید. انحصارطلبی یا بی‌کلیه ارزشهای هنسری ملی، عملاً نه تنها فرهنگ مقاوم و

کوشش و پیکار خود را برای پیشبرد انقلاب ایران ده‌چندان نموده، با ایفای نقش پیشتازی که بعهده دارند، به امر بسیج و توسعه بی‌پروای نیروهای مترقی دامن زدن و بپروای ایجاد اتحاد بزرگ ملی علیه دوا بر قدرت جها نخوار مصرانه و مجدانه بکوشند. شمولتان عزیز

حزب ما معتقد است که تنها با تعقیب پیگیرانه نکات فوق است که میتوان امرادامه موفق و پیروز انقلاب را تضمین نمود و دین ملت ایران را به شهدای گلگون کفن انقلاب ادا نمود. بکوشیم تا در این نخستین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در برابر شهدای خود سرفراز باشیم. بکوشیم تاراه آنها را که راه راستین رهائی کامل از قید امپریالیسم جهانی بویژه دوا بر قدرت جها نخوار آمریکا و روسیه است دنبال کنیم.

۲۰ بهمن ماه ۱۳۵۸  
حزب رنجبران ایران

به خورد مردم داده، دارندگان چندین مدال هنری از دربار همچنان با کمی رنگ و لعاب عوض کردن قهرمان صحنه تاتر شده‌اند. فرهنگ "کلاسیکی" در خیابانها انباشته گردیده و خوانندگان درباری و مبتذل پیاده رو خیابانها را تسخیر می‌کنند اما هنرمندان استقلال طلب و آزادیخواه میدان برای عرصه فعالیت خود نمیابند. فرهنگ و هنر بخشی جدا نشدنی از زندگی جامعه ماست و خود وسیله‌ای برای اعتلای مبارزه و زندگی اجتماعی است. هیچ سردسی و هیچ ملتی را میتوان از فرهنگ و هنر محروم نمود. بلکه برعکس باید امکان داد و زمینه

## اعلامیه دولت

وزارت امور خارجه طی اطلاعیه‌ای که دیشب منتشر کرد، حضور نظامی دوا بر قدرت در منطقه را خطری جدی برای صلح و امنیت بین المللی و ایران دانست. وزارت امور خارجه پس از شرح تحریکات امپریالیسم آمریکا در منطقه و تذکر دو باره محکومیت شوروی در اشغال افغانستان موضع جمهوری اسلامی را در آنگشته اعلام کرد:

۱- دولت جمهوری اسلامی ایران با حضور نظامی قدرتهای غیر منطقه‌ای خواه آمریکا یا شوروی و خواه هر قدرت دیگری در آبهای جنوبی خود بشدت مخالف بوده و آنرا محکوم مینماید. مردم منطقه هرگاه حاکم به سرنوشته خود با شندهم قاروهم مایل به حفظ صلح و ثبات منطقه خواهند بود و منافع واقعی خود را بخوبی تشخیص میدهند.

۲- دولت جمهوری اسلامی ایران معتقد است که هدف دراز مدت آمریکا از این تجمع قوا، حضور و استقرار دائمی در این منطقه بوده و بحرانهای بین المللی بعنوان پوششی برای توجیه اعمال این سیاست مورد استفاده قرار میگیرد.

۳- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران حضوری و احدهای دریائی آمریکا و تقویت متقابل واحدهای دریایی شوروی در منطقه را خطری جدی برای صلح و امنیت بین المللی دانسته و آنرا ناقض قطعنامه‌های مکرر مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ایجاد منطقه صلح در اقیانوس هند اعلام مینماید.

۴- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران لازم میدانند توجه کشورهای غیر متعهد بخصوص کشورهای اسلامی منطقه را... به وضعیتی که بر اثر اقدامات ابر قدرت‌ها و اعمال سیاست فشار و زور و ارباب در این منطقه بوجود آمده و صلح و امنیت جهانی را بمخاطره انداخته است، جلب نماید و متذکر گردد که برای رهائی از وضعیت موجود باید زهر دوا بر قدرت که زرادخانه‌های خود را که در منطقه مستقر کرده اند خواست که کشورهای منطقه را بحال خود واگذارند و نیروهای خود را هر چه زودتر از منطقه خارج سازند تا بدین ترتیب استقلال کشورهای منطقه و عدم وابستگی آنها به شرق یا غرب تا مین شده و موجودیت آنها قربانی توطئه و تباخی ابر قدرت‌ها در تقسیم منطقه نگردد.

اکنون وظیفه ما در صحنه فرهنگ و هنر، انتقاد و طرد انحصارطلبی و ستم فرهنگی و ارائه و تولید فرهنگ ملی و مردمی از یکسو و مبارزه با فرهنگ امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی از سوی دیگر است. این مبارزه با خواسته‌های فرهنگی توده‌های خلق تطابق دارد و باید بر این مبارزه عادلانه پافشاری کرد و آنرا با سبک حق داشتن بر اساس خواست توده‌ها در زمان و مکان مشخص، کنار مثبت و در نظر داشتن وحدت خلقی به پیش برد و اوضاع را بسود شکوفایی هنر ملی و مردمی تغییر داد.

کوشش و پیکار خود را برای پیشبرد انقلاب ایران ده‌چندان نموده، با ایفای نقش پیشتازی که بعهده دارند، به امر بسیج و توسعه بی‌پروای نیروهای مترقی دامن زدن و بپروای ایجاد اتحاد بزرگ ملی علیه دوا بر قدرت جها نخوار مصرانه و مجدانه بکوشند. شمولتان عزیز



# کارنامه چپ نماها در سالگرد انقلاب

در یکسانی که از پیروزی انقلاب گذشت چپ نماها کارنامه سیاه و شرم آوری، هم در گفتار و هم در کردار به جای گذاردند. اخلال در وحدت ملی، بحریب و تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی، تحریکات علیه دولت و نیروهای ملی با سوء استفاده از هر جریان نا رضایتی، و بالاخره خدمت به رقابت امپریالیست‌ها و هموار ساختن راه سلطه ابر قدرت شوروی.

حاصل یک سال موجودیت و عملکرد چپ نماها بوده است. منظور ما از چپ نماها، رهبری غاصب چریکها، گردانندگان سازمان "پیکار" در خط ۳ است (مدتی بعد هم خط ۴ در این میان پیدا شد).

کامل نجات داد. انقلاب مسائل و شرایط نوینی را بوجود آورد که برای چپ نماها یکدو راهی تصمیم گیری بود. یا هر چه سریعتر بجیند و یا طرد رویزیونیسم و عناصر آن از صفوف خود، خود را تصحیح کنند و در صف انقلاب و توده‌ها قرار گیرد و یا ضمن حفظ انحرافات و تحکیم رویزیونیسم، با سوء استفاده از مسائل نوین چند صباحی دیگر ورشکستگی کامل خود را به عقب بیندازند. اکثر چپ نماها راه دوم را رفتند و فقط عده معدودی خود را تصحیح کردند و به موقع از چپ نماها جدا شدند.

## چپ نماها بعد از انقلاب

با روی کار آمدن دولت ملی و اوضاع نوین انقلابی، چپ نماها مانند کودگان ذوق زده از یک طرف با تکثیر، پخش و فروش عکسهای شهیدان سابق سازمانهای خود، شهیدانی که چپ نماها در حال خیانت به آرمان آنها بودند، به کسب وجهه پرداختند و در این عمل تا دست زدن به شیوهی علم کردن دهها شهید خود در مقابل دهها هزار شهید جنبش توده‌ای و بی مقدار نشان دادن شهدای انقلاب اسلامی پیش رفتند. دعوا بر سر مالکیت شهدا تا مدتها در میان چپ نماها داغ بود. از طرف دیگر آنها به لفاظی انقلابی نما و طرح ناقص شعارهای انقلابات سوسیالیستی به شکل طوطی‌وار و در خواست آنها از دولت موقت پرداختند. بحث‌هایی مانند همه چیز به دست شوراها، انحلال ارتش، شرکت کارگران در شورای انقلاب و... را هم بخاطر داریم که البته امروز خود چپ نماها زیر سبیلی آنها را رد کرده بدون آنکه به توده‌ها توضیح داده باشند خود را به فراموشی می‌زنند.

## بر خورد به انقلاب

بر سر شعارهای به ظاهر چپ و

برخی مسائل دیگر که تنها بیانگر عقب افتادگی چپ نماها نسبت به اوضاع بود، آنها شروع به لجبازی با دولت و نیروهای ملی کردند. به تدریج همسوئی و همراهی و حتی اختلاط صفوف چپ نماها با شاه دوستان سابق و ناراضیان "لوکس" انقلاب عیان می‌شد. چپ نماها به رفراوندوم جمهوری اسلامی همراه بختیار چپی‌ها و کاخ نشینان باقی مانده و فراری رای ندادند، جریان حجاب را براه انداختند از به اصطلاح "حق آزادی بیان و قلم" برای اعمال سابق امپریالیسم و صهیونیسم که حالا چپ نما شده بودند به دفاع آتشین پرداختند و پایای بورژوازی بزرگ و حتی بوروکراتها و تکنوکراتهای وابسته، حمله به دولت ملی را تا حد اتهام زدن به پیش بردند. در دفاع از آیندگان، پیغام امروز، آهنگر و... پر شور شرکت کردند و آن را جنبش وسیع آزادیخواهی نام نهادند و به عرش بردند.

وقتی که گند هر کدام از این قضایا در می‌آمد بر حسب مورد یامی-گفتند ما از "موضع پرولتاریا" حرکت کردیم، یا می‌گفتند ما از اول می - دانستیم و "آگاهانه" مبارزه خودمان را پیش بردیم و یا سکوت می‌کردند. نوسانات و معلق زدن از یک موضع به موضع دیگر هم طرفداران چپ نماها را خسته و گیج کرده بود. اما آنها طرفداران صادق و ساده دل خود را هر چند وقت یکبار با یاد بود شهیدان و بر انگیزستن احساسات آنها نکمیداشتند و برای طرفداران جدیدی که از طبقات بالای جامعه پیدا میکردند که اصلا ساله موضع سیاسی مطرح نبود. برای آنها همین قدر که در یک میتینگ دق‌دلی خود را از انقلاب در می‌آوردند و یا در نشریه‌ها و اعلامیه‌های نا رضایتی آنها از اوضاع انقلابی ارضاء می‌شد، کافی بود.

چپ نماها هر حرکت ضد امپریالیستی دولت را با بهانه جوئی نفی می‌کردند و یا حداکثر وقتی که

نمی‌شد نفی کرد آن را "تسلیم شدن به فشار توده‌ها" می‌نامیدند. توده‌هایی که همراه و پشتیبان دولت ملی و علیه چپ نماها بودند. آنها در حالی که به نام توده‌ها با دولت ملی مخالفت می‌کردند، تقریباً در هیچ کدام از جنبش‌های ملیونی توده‌ها شرکت نکردند بلکه حتی علیه جنبش توده‌ها موضع گرفتند و آن را توطئه نامیدند و یا پای "دنباله روی" توده‌ها گذاشتند. در این مورد علاوه بر رفراوندوم‌ها و انتخابات، می‌توان از راه پیمائی وحدت در تیر ماه، اجتماعات و راه پیمائی‌هایی به مناسبت سالروزهای ملی و مذهبی و یا به دعوت نیروهای ملی و مذهبی نام برد. در تمام این موارد نیز چپ نماها در نشریات و اعلامیه‌های خود به کمک لفاظی انقلابی نما به توجیه بی‌عملی، سیاستهای ضد توده‌ای و عقب ماندگی و ورشکستگی خود پرداختند.

در عین حال به برکت آزادیهای موجود، چپ نماها در جلوی دانشگاه‌ها، در چهار راهها و خیابانهای شمال شهر انواع نشریه‌ها، اعلامیه‌ها و غیره را در محکوم کردن به اصطلاح "فاشیسم حاکم" و فحش و ناسزا و اتهام به شخصیت‌ها و نیروهای سیاسی ملی و مذهبی را آزادانه پخش می‌کردند و به فروش می‌رساندند. ولی همیشه ناله‌شان رو در روئی با توده‌ها در مبارزات ضد امپریالیستی، اخلال در کار دولت ملی حتی در شرایطی که به وضوح زیر فشار توطئه‌های امپریالیسم بود، همراهی با هر نوع ناراضی حتی ضد انقلاب و درگیری در زد و خورد های پراکنده و در جنگ داخلی و برادر کشی، هیچ کدام به آموزش مثبتی برای چپ نماها تبدیل نشد و آنها روز بروز در ادامه مشی‌های ضد مردمی خود مصرتر شده‌اند.

## اخلال در مبارزه ضد امپریالیستی

مشکل مرکزی این چپ نماها در چیست که آنها را به این روز انداخته است؟ مشکل مرکزی آنها عدم درک صحیح از امپریالیسم و مناسبات مبارزه ضد امپریالیستی و به جای آن درک غلط، مشوکی و تروتسکیستی -

چپ نماها عمدتاً یا علیه امپریالیسم روسیه موضع ندارند و یا حتی طرفدار آن هستند. سازمان چریکهای فدائی بعد از فاصله گرفتن تدریجی از مواضع ضد رویزیونیستی پایه‌گذاران و شهدای سازمان، بعد از مدتی این پا و آن پا کردن بالاخره تسلیم رویزیونیستهای رخنه کرده در داخل سازمان شد و امروز این رهبری غاصب و رویزیونیست بر سر خوش خدمتی به اربابان خونخوار خود با کمیته مرکزی خائن حزب توده به رقابت "مرگ و زندگی" مشغول است. و به هر آنچه که برای مبارزین مسلح ۱۵ سال پیش عزیز و گرایی بود پشت کرده است. سازمانی که تا چند سال پیش اندیشه مائوتسه دون را "مارکسیسم-لنینیسم عصر ما" می‌دانست، رویزیونیسم جهانی به سرکردگی شوروی را طرد می‌کرد و حتی در اعلامیه ۲۱ اردیبهشت ماه امسال به مناسبت شهادت خسرو روز به در مورد حزب توده نوشت: "از زراد خانه تفوریک رویزیونیسم بین‌المللی به سردمداری شوروی تغذیه می‌شود، خطر آن برای جنبش طبقه کارگر ایران خطری جدی و واقعی است"، امروز به مدافع سر سخت شوروی و جاده صاف کن تجاوز و دخالت این امپریالیسم خونخوار تبدیل شده‌اند.

"سازمان پیکار" همواره بین آمریکا و شوروی موضع میانه تمایل به شوروی داشته و با آنکه در حرف صحبت از "سوسیال امپریالیسم" می‌کند اما در تمام موضع گیریها و حرکاتش تا کنون بر علیه شوروی "دست از باخا نکرده" و مانند چریکها به ستایش از سپهر های جهانی امپریالیسم روسیه پرداخته است. و هنوز در فکر این هستند که ایران را سراسر ویتنام بکنند. پیکار همراه پرچم کاذب ضد سوسیال امپریالیستی این که تنها برای فریب طرفداران این جریان چپ نما مورد استفاده قرار می‌دهد، شعار ارتجاعی "امریکا دشمن اصلی خلقها" را می‌دهد و باین ترتیب به صورت نیروی ذخیره و ککسی سوسیال - امپریالیسم در جریان "خط میانه" درآمده است. موضع راست و تسلیم طلبانه چپ نماها در مقابل امپریالیسم روسیه، به معنی موضع دست‌اندا در مقابل

مجموع در مبارزه ضد امپریالیستی انحراف دارند. با اصطلاح مبارزه آنها علیه امپریالیسم آمریکا نیز نه تنها مبارزه نبوده بلکه تنها به لفاظی انقلابی نما علیه آمریکا پرداخته‌اند. کارنامه عملکرد آنها در این مورد نیز در مجموع نشان دهنده اخلال و ضرباتی است که در حد توانائی خود به جنبش ضد امپریالیستی مردم زده‌اند. علاوه بر اخلال و کار شکنی علیه دولت و نیروهای ملی و پشتیبانی و همسوئی با جریانات مشکوک علیه دولت و اخلال در وحدت ملی می‌توان مبارزات آکرونیستی آنها در مورد رفاه زحمتکشان و دامن زدن به آن در مقابل مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان را ذکر نمود.

چپ نماها در شرایطی که میهن و ملت ما زیر فشار اقتصادی و سیاسی امپریالیسم است حتی خطر مداخله نظامی میهن ما را تهدید می‌کند و در حالی که توده‌های میلیونی خلق عمیقاً خواهان مبارزه ضد امپریالیستی برای استقلال میهن هستند، دست به تحریکات مختلف برای دامن زدن به مبارزات اقتصادی علیه دولت می‌زنند و زحمتکشان را از مبارزه سیاسی ضد امپریالیستی دور می‌کنند. ابتکار لفاظی انقلابی نما علیه آمریکا را نیز اخیراً انقلابیگری کاذب برخی از نیروهای اسلامی از دست آنها بروده است.

## آینده چپ نماها

کارنامه چپ نماها را می‌توان در دو زمینه خلاصه کرد: - در مواضع ضد امپریالیستی و استقلال خواهی، متزلزل و راست. - در دشمنی با دولت و نیروهای ملی، سر سخت و چپ. و از این دو زمینه، اولی را تکامل داده و به تسلیم طلبی و حمایت از شوروی رسانده‌اند و در زمینه دوم رهبری غاصب چریکها بعد از مدتی ناسزا و بر حسب زدن به دولت و رهبران انقلاب امروز با روشن تر مطرح کردن تز وجود "یک جناح رادیکال در مقابل لیبرال" در هیات حاکمه هر چه بیشتر به مواضع باند کیانوری در حزب توده نزدیک می‌شود. گردانندگان سازمان، سکا، فلاهنه،

# انقلابیگری کاذب:



# جاده صاف کن فاشیسم و وابستگی

در هر انقلابی عده‌ای پیدا می‌شود که خودشان را انقلابی تر از انقلاب مردم میدانند، از در "چپ" وارد و از در راست خارج می‌شوند، بالفاظی انقلابی در عمل باز بجهت دست دشمنان انقلاب "قرار" میگیرند.

این قهرمانان قلبی کسانی اند که پیگیری راه پیمائی طولانی زحمتکشان را ندارند، تازه آمده‌اند و عجله دارند که زود بروند و بهمان سرعت که به قله "اشتها" بر سر صودائی میرسند، با کله از صحنه‌ی زندگی سیاسی سقوط میکنند و پس از مدتی، جز خاطره‌ی قیل و قال گودگانه آنان، چیز دیگری در ذهن توده‌های انقلابی باقی نمی‌ماند.

انقلاب ما هم سهم خود را از این انقلابی‌نمایان دارد و با اخلال آنها هم روبروست، اما تفاوت انقلاب ما در اینست که شورمان در چهار راه تصادم دوا بر قدرت جهان‌خواه قرار دارد و با خطر تجاوز آنها به میهن روبروست و در این اوضاع، اخلال انقلابی‌گری کاذب میتواند صدمات جدی به مردم و استقلال کشور وارد آورد.

انقلابی‌گری کاذب کفاره‌ی گناه محافظه کاری ماههای اول انقلاب است. عکس العملی است نسبت به آن در شرایطی که توده‌های مردم از تغییر نیافتن اوضاع بسود خود ناراضی اند و انقلابی‌گری کاذب بر این موج بحق خواست مردم برای ایجاد تغییرات "انقلابی" سوار میشود تا به هدفهای انحرافی خود برسد و دعوای خودش - و نه مردم - را جلو ببرد.

بعد از پیروزی قیام بهمن سال گذشته، دوجریان بزرگ در میهن ما وجود داشت و امروز هم دارد: جریان استقلال‌خواهی و جریان انقلاب برای بهروزی و سعادت مردم بخصوص زحمتکشان.

سیاست حاکم بر ارگانهای اجرائی مملکت در ماههای اول به خواستهای ابدی و جریان پاسخ گفت. در مبارزه با امپریالیسم و بریدن وابستگی، مبارزه با طبقات ارتجاعی باقی مانده و نفوذ آنها و حمایت از زحمتکشان گویا هسی کرد.

اما توده‌های مردم استقلال و انقلاب میخواهند و این سیاست پاسخگو نبود و کنار رفت.

انفجار مبارزه ضد امپریالیستی مردم در واقع تبلوری از این دو خواست بود و بعلمت نادرستی سیاست قبلی، شرایطی پیش آمد که انقلابی‌گری کاذب بمیدان آمده و سیاست خود را به توده مردم بعنوان راه حل مشکلات آنها عرضه کرد. اما در همین مدت کوتاه هم، هر روزه انحرافی بودن این سیاست برای مردم بیشتری روشن شد و آنها راه صحیح تری را یافتند که انعکاس این واقعیت را میتوان در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری دید.

خصوصیات سیاست انقلابی‌گری کاذب چیست و چرا انحرافی از مسیر اصلی انقلاب است؟

در صحنه مبارزه ضد امپریالیستی و برای استقلال کامل میهن، خط انقلابی‌گری کاذب "نه غربی، نه غربی" است و نه خط "نه شرقی نه غربی" انقلاب و امام. این خط انقلابی‌گری کاذب ادعا میکند که در تمام دنیا (حتی افغانستان اشغال شده)، دشمن اصلی آمریکا است و با هر کسی (حتی روسیه) باید علیه آمریکا متحد شد. این خط دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه را دشمن اصلی نمیداند و بدین صورت نسبت به روسیه سیاستی ساز-شکارانه و مدارا جو پناه دارد و این برای کشور ما که اکنون ۳۳۵۰ کیلومتر (با حساب افغانستان) با روسیه مرز دارد و در سر راه روسیه به آبهای گرم است، فاجعه آور است.

این خط میان آمریکا و امپریالیستهای درجه ۲ (اروپا و ژاپن) تفاوت نمیگذارد و همه آنها را بیگ خوب می‌راند، سازش سادات با آمریکا را بدرستی طرد میکند اما کلمه‌ای درباره‌ی سازش لیبی و سوریه با روسیه نمی‌گوید، مخالف فعال بودن در صحنه بین‌المللی است و انزوا طلب است و این صحنه را برای ابرقدرت‌ها جهت منفرد کردن ایران خالی میگذارد. به کشورهای جهان سوم که در مقابل آمریکا متزلزل هستند عوض کشیدنشان بسوی راه سوم مستقل، بر

چسب آمریکائی میزند، سازش دوا بر- قدرت را می‌بیند و نه رقابت آنها را، و تا جایی پیش میرود که مبارزه علیه دوا بر قدرت و خط نه شرقی نه غربی انقلاب مردم را "انحرافی" دانسته و عملاً با سیاستهای عمال روسیه در ایران و چین‌ها در یک سنگر قرار میگیرد.

روشن است که این خط انقلابی اسلامی نیست، خط ضد امپریالیستی واقعی نیست، خط استقلال طلبانه نیست، خط قلبی ضد امپریالیستی است و در صورت پیاده شدن ایران را تبدیل به افغانستان امروز خواهد کرد و چه خواهد بود چه نخواهد نشان داده است که در خدمت نقشه‌های امپریالیسم روسیه قرار دارد. این همان خط سازشکاری با امپریالیسم در لباس انقلابی، خط مدارا جوئی انقلابی نماست و تمام سر و صداهای ضد امپریالیستی اش کفروری آب و حیایی است که با یک تلنگر "نه آمریکا، نه روسیه" میترکد.

خصوصیت دیگر این خط در صحنه سیاست داخلی، حمله به نیروهای استقلال طلب ملی، ولی اصلاح طلب، و زدن برجسب "لیبرال" و "سازشکار" به آنهاست. یعنی همان خطی که عمال روسیه و باند کیانوری و چپ‌نماها در یکسال اخیر دنبال کرده‌اند. انقلابی‌گری کاذب دنیا را بدو قطب قلبی رادیکال و لیبرال تقسیم میکند و آنها را همیار - های ضد آمریکا می‌داند و ضد سرمایه‌داری و بنا بر این با سیاستهای روسیه در ایران هم زبان میشود، یعنی سیاست زدن آمریکا و آوردن روسیه، زدن نیروهای ملی و آوردن نیروهای طرفدار روسیه بروی کار.

سبک کار انقلابی‌گری کاذب هم - بخاطر پایه طبقاتی خرده بورژوازی اش - سبک کار منحنی برجسب زدن، تفرقه، تهمت و افترا، یک جانبه‌گری و ایجاد محیط خفقان و سوءظن و ناامیدی است. بدین صورت این سیاست عامل مهمی در برهم زدن "وحدت کلمه" و ایجاد انشعاب است و با فرقه‌گرایی خود زمینه را برای دشمن آماده میکند تا از اختلافات سود ببرد و یارگیری کند. اما خطر جدی‌تر از آنجا می‌آید که

انقلابی‌گری کاذب در پوستنی انقلابی، پیش‌تاز فاشیسم نوع بعثی، فاشیسم انقلابی‌نما، طرفدار زحمتکش نسا و ضد امپریالیست نماست که نمونه‌های بارز آنرا در رژیم‌های فاشیستی نوع اتیوپی، عراق و... میتوان دید. و تعجبی هم نیست، فاشیست‌ها در همه جای دنیا خودشان را انقلابی و طرفدار زحمتکشان و سوسیالیسم قالب زده‌اند و انقلابی‌نمایان ما هم میتوانند ابزار دست انحصار طلبان فاشیست ما بوسی بشوند که خیال تحمیل خود به انقلاب را دارند و یا میتوانند جاده صاف کن فاشیسم نوع دیگری یعنی سوسیال فاشیسم نوع روسی گردند.

انقلابی‌گری کاذب عامل اخلال در اقتصاد، تولید ملی، خود کفائی و رفاه زحمتکشان هم هست و این کار را تحت پوشش انقلابی نمای حمله به سرمایه‌داری، مالکیت و استثمار انجام میدهد که در واقع حمله‌ای به سرمایه‌داری ملی استقلال طلب است که نقش مهمی در بازسازی کشور و رشد تولید ملی دارد.

انقلابی‌گری کاذب در پی نوعی سوسیالیسم تخیلی تولید کنندگان خرده‌پاست که ایجاد آن کار غیرممکنی از نظر تاریخی است و تنها نقشی که این سیاست میتواند داشته باشد ضربه زدن به سرمایه‌داری و ایجاد اقتصادی دولتی وابسته به روسیه است چه بنظر انقلابی‌گری کاذب برای زدن سرمایه‌داری باید همه چیز را دولتی کرد و گویا با دولتی شدن، سرمایه‌داری از بین میرود، در حالیکه برعکس، سرمایه‌داری نوع بدستری، سرمایه‌داری انحصاری دولتی بوجود می‌آید که اولاً پایه فاشیسم داخلی است و ثانیاً تجربه نشان داده که با سرمایه‌داری دولتی سوسیال فاشیستی شوری می‌تواند خوب کنار بیاید و در واقع نتیجه نهائی کار، ایجاد یک اقتصاد دولتی سوسیال فاشیستی وابسته به روس و افتادن از جاده وابستگی به غرب به چاه وابستگی به شرق است. و می‌بینیم که چرا باند کیانوری از این سیاست خوشحال است

چهار انقلابی‌گری کاذب در واقع سیاستهای ضد سرمایه‌داری ملی خصوصی روسیه و عمالش را نشخوار میکند و چیز تازه‌ای به بازار نیاروده است.

از اینرو می‌بینیم که انحراف اساسی سیاسی انقلابی‌گری کاذب، بر همه زدن صف‌واقعی دوست و دشمن انقلاب است. از یکطرف دشمن (روسیه) را وارد میکند و از طرف دیگر دوست (نیروهای ملی استقلال طلبی اصلاح طلب) را خارج مینماید و این درست سیاست باند کیانوری در حزب توده و چپ‌نماها در یکسال گذشته بوده است. سیاستی که مردم ما آنرا طرد کردند و امروزه با چهره دیگری بمیدان آمده است.

ماهیت و پایه‌گاه طبقاتی انقلابی‌گری کاذب تولید کنندگان خرده‌پا هستند که در زمان طاغوت در زیرستم سرمایه خارجی و سرمایه بزرگ وابسته بودند و حالا پس از آزاد شدن از این ستم، میخواهند با کنار زدن هر نوع سرمایه‌داری (حتی ملی) نظام روبا ئی تولید کنندگان خرده‌پا را بوجود آورند، همه چیز را خرد کرده و تقسیم کنند، همه مردم را به مالکین کوچک ابزار تولید خرده پای متساوی‌الحقوق تبدیل کنند و بدین وسیله استثمار را از بین ببرند.

این در واقع انتقاد تولید کنندگان خرده‌پا از نظام سرمایه‌داری اما با ابزار سرمایه‌داری و در چهار چوب این نظام است و با انتقاد سوسیالیستی پرولتاریا از این نظام یک دنیا فاصله دارد.

روشن است که طبقه کارگر را کاری با این انتقاد خرده بورژوازی از سرمایه‌داری نیست در شرایط کنونی شعار از بین بردن مالکیت و استثمار شماری قلبی و فریب کارانه است و این امر تنها در نظام سوسیالیستی برهبری طبقه کارگر و حزب او امکان پذیر است.

اما انقلابی‌گری کاذب از تنفر بحق زحمتکشان از استثمار و عشق طبیعی آنان به سوسیالیسم آگاه است و برای دعوای خودش با سرمایه‌داری بزرگ میخواهد با دادن این شعارهای فریبنده

ضد امپریالیستی و به جای آن درک غلط، منشویکی و تروتسکیستی - روزیونیستی از امپریالیسم است.

در حزب توده نزدیک می‌شود گردانندگان سازمان بیگانه‌ها هوز به موضع چپ و سر سخت خود نسبت به دولت که آن را وابسته می‌دانند ادامه می‌دهد.

چپ‌نماها که از آغاز دچار بیماری النقطاتی‌گری و الگو برداری بودند و به پیچیده‌ترین مسائل طبقاتی و ملی با یک نقل قول از کتاب جواب می‌دادند، در موضع گیریهای سیاسی دچار نوسانات و اپورتونیزم شده و بالاخره "رادیکال" بودن خود را در مورد طبقه کارگر به شکل اگوتومیزم رادیکال بروز دادند.

اما از آنجا که شرایط عینی جامعه و اوضاع بین‌المللی غیر از آن است که چپ‌نماها تصور می‌کنند، امروز دیگر چپ‌نماها را نباید یک فرقه از جنبش چپ در صف پرولتاریا دانست، آنها یک فرقه از بورژوازی هستند فرقه‌ای از بورژوازی که بر سر کار نیست لذا چپ‌نما شده است. این فرقه با ادامه روش خود راهی ندارد جز اینکه وابسته شود و گرایش عمده هم این است که به امپریالیسم در حال تهاجم وابسته شوند و این صفی است که چپ‌نماها به ترتیب در آن سبک گرفته‌اند و به خلق پشت کرده‌اند.

برای سرمداران چپ‌نماها از قماش رهبری غاصب و روزیونیست چریکها تکلیف کار معلوم است آنها تصمیم خود را مدت‌ها پیش گرفته بودند. اما برای طرفداران صادق چپ‌نماها هنوز راه بی بازگشت نیست. تنها کافی است آنچه که در یکسال گذشته انجام داده‌اند مرور کنند و با فکری باز و با طرد چپ‌نمائی به میان مردم و صفوف انقلاب باز گردند.

از این احساسات زحمتکشان بسود سوء استفاده کند و در دعوای خانوادگی خود از آنها یار بگیرد.

خط انقلابی‌گری کاذب در صورت حاکمیت و پیاده شدن بحسنای وابستگی به روسیه، فاشیسم و دیکتاتوری سرمایه بزرگ است، چپ‌نما خط بعلمت پایه‌گاه طبقاتی و ضعف خود، تنها میتواند در دوره کوتاهی نقش جاده صاف کن سرمایه بزرگ وابسته به روس (عمال روسیه) را بازی کند و نظام مستقل خود را نمیتواند ایجاد کند (نگاهی به بین جنوبی، و اتیوپی بیاندازیم) اما مردم ما این آینده را قبول نمی‌کنند چه در انتخابات اخیر دیدیم که طبقه در صحنه ۷



# یکسال سرکوب ضد انقلاب و پاکسازی

امپریالیسم آمریکا در جهت تامین منابع حیوانگرانه و استعماری خود طی سالهای متعددی در زمینه‌های مختلف جامعه ما نفوذ کرده بود. شاه مخلوع، و سران دولت، وزراء، وکلا، مدیران و مسئولان دولتی و بخش خصوصی، مجری نظرات و خواستهای استعماری این قدرت امپریالیستی بودند. دستگاه عریض و طویل اداری کشور در خدمت پیشبرد هدفهای غارتگرانه آنها قرار داشت. نوکران و دست نشاندهگان و عوامل این ابر قدرت امپریالیستی در ارتش، ساواک، شهرپایانی و زاندا، مری فعال بودند و از این دستگاهها بصورت چماقی برای سرکوب خلقهای مبارز میهن ما استفاده میکردند.

آنها در دانشگاهها و سایر مؤسسات و مراکز علمی و آموزشی و تحقیقاتی کشور نفوذ داشتند و از طریق عوامل و نوکران سرسپرده خود، برنامه‌های نواستعماری خویش را در این مراکز به پیش میبردند.

با پیروزی انقلاب خونین مردم ما و روی کار آمدن دولت ملی، مردم انقلابی میهن ما انتظار داشتند که اقدامات لازم در جهت قطع نفوذ کامل اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی امپریالیسم آمریکا نیز صورت بگیرد. لازمه اینکار، قیل از هر چیز سرکوب عوامل و نوکران سرسپرده امپریالیسم آمریکا و زدودن و پاک کردن محیط جامعه انقلابی ایران از وجود آنها بود.

شاه و تعدادی از این عوامل سرسپرده، در جریان انقلاب از ایران گریختند و آن عده از عوامل و نوکران امپریالیسم آمریکا که برای حفظ رژیم در حال سقوط در ایران باقی ماندند پس از پیروزی انقلاب بدست مردم افتادند.

تعدادی از آنها طی درگیری با مردم کشته شدند و بقیه به دادگاههای انقلاب سپرده شدند. دستگاههای سرکوب رژیم در جریان انقلاب توسط مردم درهم شکسته شد و آنچه باقی ماند دستگاه عریض و طویل اداری کشور و سازمانها و مؤسسات تولیدی، دانشگاهها و سایر مراکز علمی و آموزشی و تحقیقاتی و... بود، که مردم خواستار

و از حمایت بیدریغ خلق و کلیه سازمانها و احزاب ملی و انقلابی بر- خوردار بوده است.

اما عمل انقلابی دادگاههای انقلاب از حد اعدام و یازدانی کردن این عوامل و نوکران سرسپرده امپریالیسم فراتر نرفت. در حالیکه اینکار می- توانست به یک جریان عمده سیاسی برای افشای رژیم منفور و ضد مردمی سابق و آموزش سیاسی توده‌های مردم برای از بین بردن زمینه سیاسی باز- گشت ضد انقلاب تبدیل شود. اینکار میتوانست به افشای دشمن در همه ابعاد خودش، به بالا بردن رشد و آگاهی سیاسی توده‌های مردم از بعد جنایات آمریکا و رژیم و به تشکل آنها خدمت نماید.

سرکوب ضد انقلاب در صورتیکه به جنبش توده‌ای در سراسر کشور تبدیل میشد میتواند به تغییر جو موجود، به برهم خوردن تناسب نیروهای طبقاتی در جامعه و به ایجاد یک کنترل توده‌ای متشکل روی ضد انقلاب کمک نماید، تا در مقابل ضد انقلاب تجهیز شده و از جان گرفتن و فعال شدن دوباره آن در محیط زندگی و کار خود جلوگیری نمایند.

جریان سرکوب ضد انقلاب، تنها از بین بردن فیزیکی (جسمی) عوامل و نوکران سرسپرده امپریالیسم نیست، بلکه یک جریان سیاسی توده‌ای است که ضمن آن، توده‌ها دشمنان خود را میشناسند، علل و عوامل پیدایشی و رشد آنها را می‌آموزند و با شرکت در شناخت، افشا و محاکمه آنها، رشد و آگاهی سیاسی خود را نسبت به دشمن بالا می‌برند. دادگاههای انقلاب با وجودیکه در سرکوب ضد انقلاب گامهای موثری را برداشت، اما در زمینه بسیج و تجهیز توده‌ها و شرکت فعال آنها، بعلت شرکت ندادن آنها در جریان محاکمات و انجام این محاکمات در اتاقهای دربسته و استفاده محدود از بعضی از افراد به عنوان "شاهد" و... دچار کمبود بود علت آن هم روشن است علت آن، سرکوب ضد انقلاب را در انهدام جسمانی عناصر ضد انقلابی و مقوله "قصاص" خلاصه کردن و سیاسی نگاه نکردن به آن بوده است.

ارتش، ساواک، شهرپایانی و زاندا مری و بطور کلی ماشین نظامی و سرکوبگر رژیم سابق از این قاعده مستثنی بودند و به جز ساواک که متلاشی شد در بقیه دستگاهها تصفیه وسیع بصورت باز- نشسته کردن امرا و مقامات سطوح بالا عملی شد. اینکار بخاطر جلوگیری و خنثی کردن خطر کودتا از ناحیه این دستگاهها بود.

مقاومت دولت در مقابل خواست عمومی برای پاکسازی مراکز ارگانهای دیگر- شامل دستگاه عریض و طویل اداری، مؤسسات تولیدی، فرهنگی و... ناشی از خواست بوزوازی ثبات طلب بود که از طوفان انقلاب مردمو رهبری انقلاب عقب‌تر بود و همچنین خطری از این ناحیه احساس نمیکرد و لذا سعی در تثبیت و تحکیم وضع موجود پس از انقلاب و پس از بدست آوردن قدرت داشت.

این جریان سبب شد که بسیاری از عوامل ناشناخته رژیم سابق با پنهان کردن خود زیر نقاب "طرفداران اسلام" و مسلمان نمائی در ارگانهای قدرت نفوذ کرده و مانع از پاکسازی که خواست انقلاب بود، شوند. این جریان، یک عکس العمل نا سالم را بدنبال داشت که خود را بصورت انقلابیگری کاذب نشان داد که هر کس که به هر علتی در گذشته در پست یا مقامی قرار گرفته بود و یا کوچکترین رابطهای با مقامات طاغوتی داشت مورد حمله قرار دهند و خواستار پاکسازی و طرد او گردند.

به همین علت، خواست عمومی انقلاب که زدودن و پاک کردن محیط جامعه انقلابی میهن ما از وجود عوامل و نوکران سرسپرده بیگانه و مهربه‌های مزدور رژیم سابق بود، به بیراهه کشیده شد و عملاً در خدمت منافع و مقاصد شخصی و گروهی و فرقه‌ای یا انحصار طلبانه این یا آن گروه یا دسته قرار گرفت. این جریان تا سالم - یعنی مقاومت دولت در مقابل پاکسازی و عملکرد انحصار طلبی و انقلابیگری کاذب و سوزاندن ترو خشک با هم - مختلف - شامل ادارات دولتی و

## کارنامه باند کیانوری:

# یکسال دیگر خیانت

حقوق خلقها و پشتیبان جنبش های آزادیبخش مورد قبول مبارزین ضد - امپریالیست بنمایند و با اصطلاح ثابت کند که برای مبارزه با آمریکا، اتکا به روسیه حیاتی و اجتناب ناپذیر است. آنها هنوز هم تلاش میکنند به مردم بقبولانند که بین آمریکا و روسیه خط سومی وجود ندارد و تنها راه نجات از جنگ آمریکا وابستگی به شوروی است. شوروی قیم و سرپرست ملت‌های جهان و "متحد طبیعی" آنهاست (۱).

۲- آنها شخصیت‌ها و نیروهای استقلال طلب و ملی را آماج حملات خرد قرار داده‌اند و سعی میکنند جهت واحدی متشکل از نیروهای انقیاد طلب (نظیر خودشان)، مدارا جویان پیروان سیاست انقلابی گری کاذب در مقابل نیروهای استقلال طلب بوجود بیاورند. هدف آنها جایگزین خط انقیاد ملی

بجای خط استقلال ملی و تبدیل ایران به مستعمره و تحت‌الحمایه روسیه امیر- یالیستی است. آنها با جنگ و دندان تلاش میکنند که نگذارند ایرانی مستقل و ضد دو ابر قدرت تحکیم یابد.

در برابر خطراتی که استقلال و حاکمیت ملی ما را تهدید میکند. در مقابل فعالیت‌های تخریبی که از بالا (از طریق رخنه در ارگانهای دولتی) و از پایین (از طریق دامن زدن به تضادهای درون خلقی) از طرف کارگزاران و جاسوسان روسیه در ایران صورت میگردد، وظیفه خطیرو دشواری در برابر استقلال طلبان واقعی قرار گرفته‌است.

همه نیروهای استقلال طلب و همه مردم باید با هشجاری کامل کلیه توطئه‌های باند کیانوری را نقش بر آب سازند. باید با مدارا جویی و رادیکالیسم کاذب که زمینه بسیار مساعدی برای رشد و نمو این علفهای هرزه فراهم نموده، مبارزه جدی و افشاگرانه به پیش برد و نگذاشت عمال روسیه بر این انحرافات سوار شوند و مسیر مبارزات خلقی را ببنف ار بیابان نشان منحرف سازند. باید در برابر خط وابستگی این مزدوران، قاطعانه بر خط استقلال از هر دو ابر قدرت پافشاری کرد و راه مستقل که راه اتکا به قدرت توده‌های میلیونی خلق است را به پیش برد. باید با تحکیم وحدت خلق استقلال ملی را حفظ کرد و با ایجاد وسیع ترین جبهه از وحدت بزرگ ملی با دو ابر قدرت و نوکران بومی شان به مقابله بخواست.

و رسانه‌های گروهی مشهود است.

## ۵- رخنه در سازمانهای سیاسی

عملکرد بسیاری از گروهها و سازمانهای سیاسی بظاهر "چپ" ویا مذهبی و موضعگیریهائی که در مورد مسائل مختلف سیاسی - اجتماعی - اقتصادی، بین المللی و غیره اتخاذ میکنند و نحوه برخوردشان به حزب توده نشان میدهد که آنها بدرجات مختلف تحت نفوذ این باند مزدور و مشی خائنانه آن قرار گرفته‌اند. بهترین نمونه دارودسته غاصب رهبری سازمان چریکهای فدائی خلق میباشد که بتدریج مواضع و حرکت این سازمان را با خط مشی انقیاد طلبانه رهبری حزب توده تطابق میدهد و اعضا و هواداران این سازمان را به تبلیغ مواضع مشابه با باند کیانوری در حزب توده سوق میدهد.

## ۶- تشکیلات دسته‌های ضربتی فاشیستی

باند کیانوری به شیوه اس. اس‌های آلمان هیتلری، گروههای، ضربت فاشیستی بوجود آورده که در خیابانها به تعقیب و ضرب و شتم مبارزین استقلال طلب میپردازند. حمله این گروهها به برنامه‌ها، گردهم آئی‌ها و راه پیمائی‌های مترقی و باره کردن اعلامیه‌ها و روزنامه‌های انقلابی توسط این دسته‌های ضربت خاطره چماق بدستان آریامه‌ری را در خاطره‌ها زنده میکند. اینها پیشتازان سوسیال - فاشیسم روسی هستند.

## ۷- شایعه‌سازی و برچسب

### زدن به استقلال طلبان

دروغ، برچسب زنی، تهمت و افترا، شایعه‌پراکنی علیه شخصیتها و سازمانهای استقلال طلب و آنها را به ساواک و آمریکا منتسب کردن به سکه‌زایی جسی برای این مزدوران روسیه تبدیل شده است. مطالبی که تحت عنوان "آیا راست است"، "آیا میدانید" و "افشاگری" در روسنامه "مردم" به چاپ میرسد، اخبار سراپا دروغ و داستانهائی که بر اساس اطلاعات غیرواقعی، در تخیلات پلیسی قلم‌زنان جیره‌خوار این روس نامه‌پرشته تحریر درآمده، همگی برای مشوب کردن اذهان عمومی و بدنام کردن افراد میهن پرست ساخته و تنظیم شده‌است. در سال گذشته تقریباً بدون استثناء هر کس که بر علیه ابر قدرت خونخوار

سالی که گذست صفحه سیاه دیگری بر تاریخ سراسر خیانت باند کیانوری در رهبری حزب توده اضافه کرد. دارودسته کیانوری همچون اسلافش از قماش باند رادمنش و سایر باند‌هایی که در راس حزب توده قرار می‌گرفتند سیاست و حرکت عمومی خود را بر اساس خدمت تمام و کمال به کاخ نشینان کرملین گذاشت.

رهبران حزب توده تا قبل از پیروزی قیام پرشکوه بهمن ماه ۵۷ از هیچ کوششی برای اخلال در این جنبش و انحراف مسیر آن بسود منافع اربابان نشان دریغ نکردند. حتی از طرف آنها مبارزات توده‌ای ارزشمندی نظیر قیام شکوهمند تبریز و تظاهرات دانشجوئی بعنوان تحریکات ساواک برچسب خورد.

با پیروزی انقلاب، دیگر ادامه همان سیاست گذشته مقرون به صرفه نبود و آبروئی باقی نمی‌گذاشت، لذا باند کیانوری تصمیم گرفت از در دیگری وارد شود. آنها در مدت یکسال اخیر از یک سیاست دوگانه پیروی میکردند: حمایت علنی، تخطئه مخفی.

سیاست علنی آنها پشتیبانی ظاهری از انقلاب اسلامی، از امام خمینی و پس از رفتن از جمهوری اسلامی بود، در حالیکه از زیر و بطور مخفیانه سیاست دیگری را دنبال مینمودند که سیاست واقعی شان بود. هدف آنها تضعیف حکومت ملی، بر هم زدن ثبات کشور و ایجاد شرایط مناسب برای بسط نفوذ همسایه شمالی بوده و هست. گوشه‌ای از عملکردهای ننگین یکساله این دارودسته به ترتیب زیر است:

## ۱- اخلال از طریق مطبوعات

### دمکرات نماها و چپ نماها

زمانی که ضد انقلاب سرنگون شده برای احیای رژیم طاغوتی و تخریب بنیادهای نوین خرابکاری میکرد. هنگامی که توطئه‌های ضد انقلاب اشکال بسیار تندی به خود میگرفت و تحت پوشش "دموکراسی" خواهی و "چپ" خود را عرضه میکرد، در شرایطی که ضد انقلابیون لباس آزادیخواهی به تن کرده، علم مبارزه با اصطلاح "دیکتاتوری نعلین" و "فاشیسم" را بلند کرده بودند، در چنین شرایطی سیاست پنهانی و عملی باند کیانوری همگامی و تشویق دمکرات نماها و چپ نماها و تحریک

دانشگاهها و سایر مراکز علمی و آموزشی و تحقیقاتی و... بود، که مردم خواستار پاکسازی آنها از وجود عناصر وابسته به بیگانه و مهره‌های مزدور رژیم سابق و همچنین نوسازی آنها در جهت ترقی کشور و خدمت به انقلاب و مردم زحمتکش بودند.

پس از گذشت یکسال از پیروزی انقلاب و در ادامه آن، هنوز هم سرکوب عوامل و نوکران سرسپرده و پاک کردن محیط جامعه از باقی ماندگان نوکران امپریالیسم آمریکا، در دستور کار انقلاب قرار دارد.

### دادگاههای انقلاب

پس از پیروزی انقلاب، بسیاری از عوامل رژیم سابق توسط دادگاههای انقلاب محاکمه و به اعدام محکوم شدند و یا به زندان افتادند. اینکار در پاسخ به خواست توده‌های زجر کشیده و رنج دیده میهن ما بوده

و مقوله "قصاص" خلاصه کردن و سیاسی نگاه نکردن به آن بوده است. بکار بردن معیارهای اخلاقی در برخورد به جرائم اجتماعی و قربانی کردن معلول بجای علت، که نظیر آن اعدام زنان بیچاره و مفلوک بود که خود محصول فرهنگ منحط و فاسد نظام امپریالیستی وابسته شاه بودند، نیز از جمله اقداماتی بود که دادگاههای انقلاب سیاست اشتباه آمیزی را در پیش گرفت.

### پاکسازی

در حالیکه دادگاههای انقلاب با همه کمبودهای خود طی یکسال گذشته گامهای مثبتی را در جهت سرکوب ضد انقلاب برداشت، در عوض دولت در مقابل خواست مردم برای پاکسازی کامل مراکز و ارگانهای مختلف از وجود عناصر وابسته به بیگانه و مهره‌های مزدور رژیم سابق و نوسازی آنها، مقاومت بخرج داد.

سبب شد که نه تنها مراکز و ارگانهای مختلف - شامل ادارات دولتی و مؤسسات تولیدی و... - نوسازی نشوند و در جهت ترقی کشور خدمت به انقلاب و مردم قرار نگیرند، بلکه حتی بصورت مانی بر سر راه انقلاب تبدیل گردند.

بدیهی است که برای پیشبرد انقلاب باید امر پاکسازی در مراکز و ارگانهای مختلف شامل ادارات دولتی، مؤسسات تولیدی، فرهنگی و... توجه لازم صورت بگیرد. اینکار تنها در صورتی عملی است که انحصار طلبی و همچنین انقلابی گری کاذب که با سبک کار نادرست خود در جریان پیشرفت کارها اختلال می‌نماید، هر دو طرد شوند و پاکسازی و نوسازی این مراکز و ارگانها از عوامل وابسته به دو ایر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی توسط شوراهای واقعی کارکنان آنها در جهت ترقی کشور و خدمت به انقلاب و مردم زحمتکش انجام بگیرد.



عملی باند کیانوری همگامی و تشویق دموکرات نماها و چپ‌نماها و تحریک آنان برای تخریب در نهادهای جمهوری اسلامی بود. "آهنگر"، "پیغام امروز" و... که ظاهراً با حزب توده هیچگونه رابطه‌ای نداشت عملاً سیاست خرابکارانه حزب توده را به پیش میبرد.

### ۲- برهم زدن ثبات امنیت و تمامیت ارضی کشور

سیاست دیگری که باند کیانوری در این مدت دنبال نموده دامن زدن به تضادهای درون خلقی و تحریکات برای ایجاد دستجات مسلح در برابر حکومت مرکزی بود زیرا براه افتادن جنگ داخلی در ایران باعث از بین رفتن ثبات سیاسی و عدم کنترل کشور بوسیله دولت شده، بهترین زمینه را برای نفوذ و مداخله تا سطح نظامی برای سوسیال امپریالیسم روس فراهم میساخت.

باند حساسی - بلوریان در حزب دمکرات کردستان - این برادر تنی حزب توده، با سلاحهای روسی خود را مجهز نموده سعی میکند خواست به حق خودمختاری خلق کرد را وسیله قرار دهد و منطقه کردستان را به حوزه نفوذ روسیه و به ابزار فشار بر حکومت مرکزی تبدیل سازد.

### شیوه‌های پلیسی و جاسوسی

دست پروردگان مکتب سوسیال فاشیستهای روس برای اینکه ایران را به یکی از اقطار روسیه تبدیل کنند، هر آنچه در طول سالیان دراز اقامت خود در شوروی و کشورهای اروپای شرقی آموخته بودند به کار انداختند و به تعقیب مبارزین پیرونده سازی، خبر-چینی، و دیگر شیوه‌های پلیسی دست زدند و در این زمینه با دستگاه‌های جاسوسی غرب نظیر "سیا" و شعبه ایرانی آن "ساواک" (که توده‌ای - ساواکی‌های بسیاری پرورش داده) از نظر فعالیت مسابقه گذاشته‌اند.

### ۴- رخنه در رسانه‌ها و ارگانهای دولتی

عوامل حزب توده موفق شده‌اند در بسیاری از شئون جامعه رخنه نمایند. آنها در مطبوعات کثیرالانتشار، در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، در رسانه‌های مطبوعاتی خبر، در ادارات دولتی و وزارتخانه‌ها در ارتش و در تمام دستگاه‌های حساس دولتی مستقیماً یا با مخفی شدن به زیر حجاب اسلامی نفوذ کرده‌اند. تأثیرات این سیاست بیش از هر مورد دیگر در سطح تبلیغات

در سان دشت تعزیر بدون استناد و هر کس که بر علیه ایر قدرت خونخوار روسیه حرفی زده مورد اتهام و برچسب‌های این سرسپردگان امپریالیستهای روس قرار گرفته است.

### ۸- تبلیغ برای ارباب

باند کیانوری که دشمن قسم خورده استقلال و آزادی ایران است هیچ فرصتی را برای تبلیغ درباره "ضرورت" وابستگی به شوروی از دست نمی‌دهد. آنها سعی میکنند جنبش اصیل خلق را که بدور شعار "نه شرقی - نه غربی" بسیج و متعهد شده، از مسیر درست خود منحرف ساخته و شعاع روسیه دوست مردم‌مارا "چایگزین آن سازد". آنها از اشغال جاسوخانه آمریکا توسط دانشجویان و اوج‌گیری مبارزات بحق مردم علیه امپریالیسم آمریکا بعزت عدم هوشیاری بعضی از نیروهای سیاسی سوءاستفاده کردند و تلاش نمودند تا با استفاده از این جو "مساعذ" خط انقیاد طلبانه خود را به ملت قالب کنند.

### ۹- مبارزه علیه رئیس جمهور منتخب ۷۶ درصد مردم

بالاخره با انتخابات ریاست جمهوری پیروزی بزرگی نصیب خلق ایران شد و یک شخصیت استقلال طلب که خواستار استقلال میهن از آمریکا، روسیه و هر قدرت خارجی دیگری است، از جانب ملت به بالاترین مقام اجرائی کشور برگزیده شد. انتخاب آقای بنی صدر مانند دشمنی بود که به قلب سیاه باند کیانوری فرو میرفت. آنها که برای جلوگیری از انتخاب وی اوراق مشکوک نشر می‌نمودند و بازار شایعه و برچسب زنی را داغ تر کرده بودند، با شکست مفتضحانه‌ای روبرو شدند. باند کیانوری که تا قبل از انتخاب بنی صدر در میان محافل هیئت حاکمه بدنبال مدارا جویان و متحدان برای همسایه شمالی می‌گشت اینک نقشه‌های خود را نقش بر آب می‌بیند و مجبور است در میان "اپوزیسیون" و مخالفین سیاست حاکم متحدی برای خود و اربابانش جستجو کند. آنها - دیگر نقاب از چهره توطئه‌گر خود بر نداشته و رسماً و علناً "در روس نامه" شان به مخالفت و لجن پراکنی بر ضد رئیس جمهور می‌پردازند.

خطوط اساسی سیاست باند کیانوری در یکسال اخیر که امروز نیز همین سیاست را دنبال میکند عبارت بوده‌اند از: ۱- دفاع از روسیه ۲- حمله به استقلال طلبان. ۳- آنها سعی میکردند شوروی را بعنوان "حامي" مستضعفین، مدافع

و هیچ برین چشمه رو خست بر سر سبی - دو ایر قدرت و نوکران بومی شان به مقابله برخاست.

### پیروزی خط

مشی بستگی به مبارزه تا آخر علیه همه‌گونه اختلال عمل دو ایر قدرت از سوئی و انحرافات درون خلقی "چپ" و راست دارد. موفقیت کامل این مشی در حقیقت به این امر بستگی دارد که مردم ما و نیروهای استقلال طلب جامعه تا چه حد بتوانند و موفق گردند این مشی را اساساً در داخل کشور پیاده کنند. و این هدف را هم با انجام برنامه‌های میثاق انجام داد، برنامه‌ای که میتوان در چند کلمه خلاصه کرد: ایجاد ارتش ۲۵ میلیونی امام خمینی برای مقابله با هر گونه تجاوز خارجی، تحقق وحدت ملی در کلیه سطوح و زمینه‌ها، نیل به خودکفائی اقتصادی در زمینه‌های کشاورزی و صنعتی، آزادی و دموکراسی وسیع برای زحمتکشان و توده‌های خلق که ستون اصلی هر گونه مبارزه و هر گونه مقاومت دز برابر بر قدرت‌ها هستند. تنها در صورت تحقق این برنامه‌هاست که پیروزی مشی استقلال طلبانه "نه شرقی، نه غربی" پیروزی در عمل خواهد بود. نه تنها در شعار.

### انقلابیگری کاذب

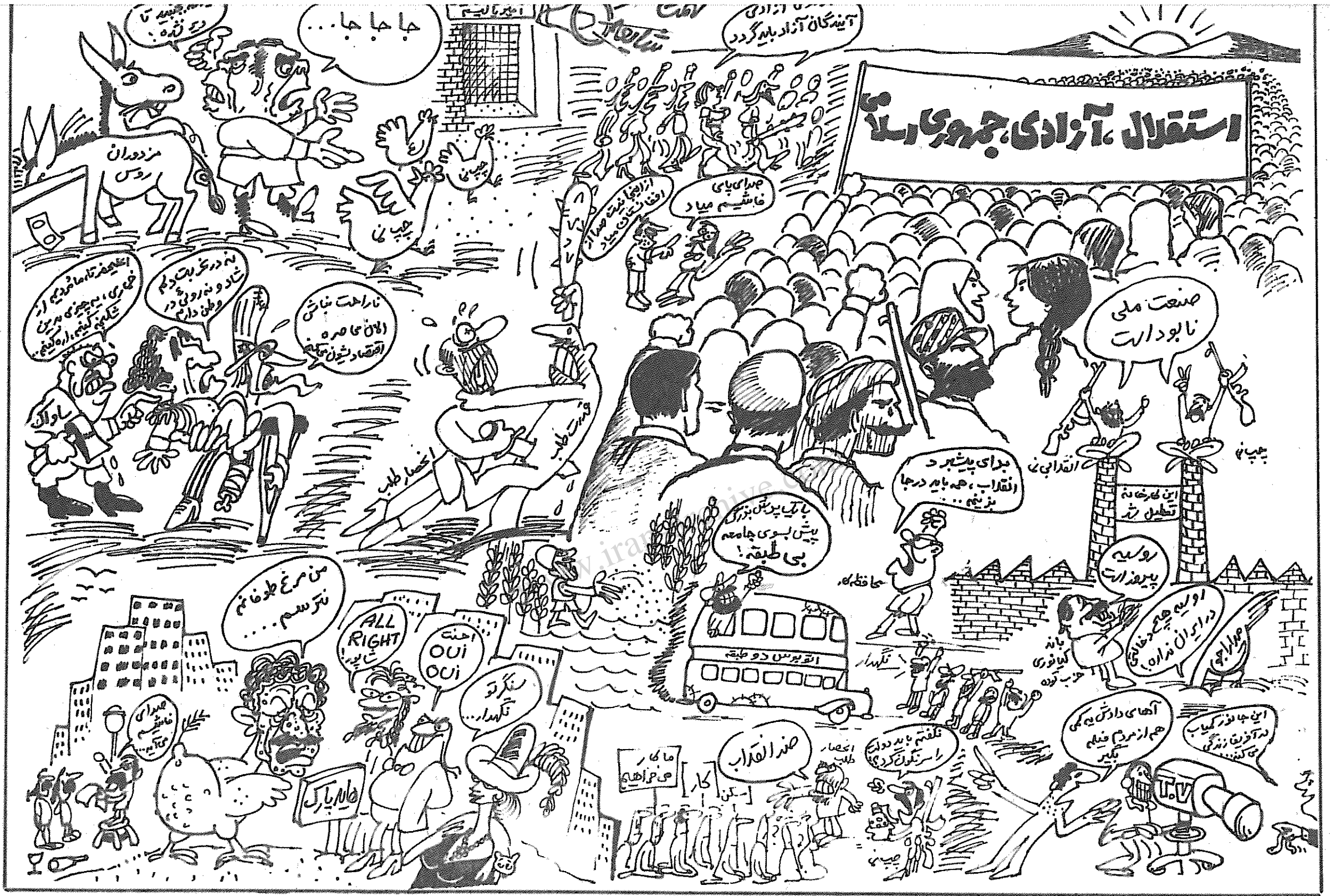
دست رد به سینه لفاظی انقلابی نما زدند و خواستار قاطعیت بروی خط نه شرقی، غربی، وحدت کلمه، رشد تولید ملی و رفاه زحمتکشان، آزادی و طرد فاشیسم انقلابی نمای انحصار - طلبانه شدند.

و برپایه این خواست و پیروزی مردم با ادامه مبارزه با خط انحرافی انقلابیگری کاذب، پایه این پیروزی را تحکیم کرد و حاملین نا آگاه ولی صادق آنرا اصلاح نمود و برای حل مسائل انقلاب راه حل‌های جدی عملی داد و انقلاب را در مسیر اصلی خود، مسیر استقلال آزادی و عدالت اجتماعی، مسیر اتحاد بزرگ ملی علیه دو ایر قدرت به پیش راند.









# استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

آینده گان آزاد باید گردد

جا جا جا...

در تیره تا

مزدوران روس

بعضی ها تا ما خودی ار  
شاید و نه روی در  
وطن دارم

ناراحت نباش  
الان ما صره  
اقتصادشون تکان

اصحاب طلب

سوال

من مرغ طوفانم  
نترسم...

ALL RIGHT

احت  
OUI OUI

نگارو  
تکدار...

ملا پاران

ما ی  
می خواهی

صند القدار

فکتم باید دولت  
راستگوار کردی

آهای دادش به کمی  
هم از مردم فدا  
کنی

این جانور کباب  
در آخرت زندگی  
می کنی

اولیه  
پیروز است

اولیه هیچ دشمنی  
در ایران ندارد

برای پیشبرد  
انقلاب، همه باید درجا  
بزنیم...

باز یک پیش بزرگ  
پیش بسوی جامعه  
بی طبقه!

صنعت ملی  
نابود است

این که خانه  
تظلم تره

حافظه

نگارو

باید  
کاشوری  
جواب تیره

TV

اتوبوس دو طبقه

کار

استن

اصحاب  
طلب

اصحاب  
طلب

اصحاب  
طلب

اصحاب  
طلب

اصحاب  
طلب

اصحاب  
طلب